

پیام سندیکا



شماره ۳۹

سال پنجم / تیر ۱۳۹۴

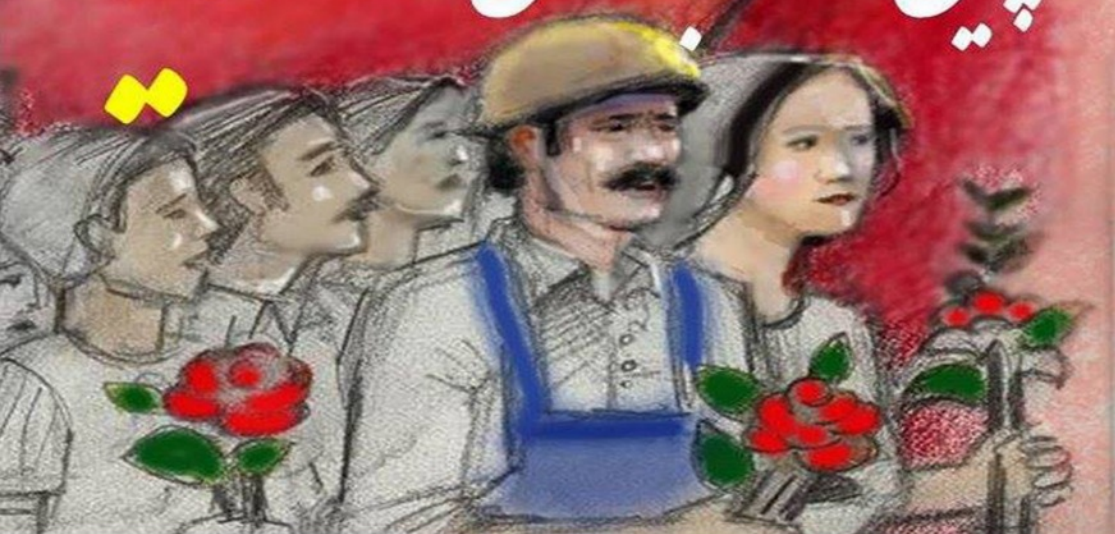
نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

پیش! ... به سوی سندیکا



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

سریام - توافق هسته ای و کارگران
اطلاعیه های سندیکاهاى کارگری
گزارش های خبرنگار پیام سندیکا
بلا تکلیف ماندن ماده ۷ قانون کار
مسوول مرگ نماینده کارگر کیست؟
داد خود از که بخواهیم؟

!شکاف در آمد با هزینه کارگران ۲ میلیون تومان شد
در ایران چه می گذرد؟

ازشان نمی گذرم - گفتگوی نشریه دانشجویی رود با یک کارگر
گزارش سازمان جهانی کار در مورد سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد
تامین اجتماعی با ثروتی پُر حجم، ولی خدمات دهی کم اثر و ناکارآمد
تیر ۱۳۲۵ نقطه عطف خیزش جنبش کارگری ایران ۲۳
با فدراسیون جهانی سندیکاهاى کارگری آشنا شویم
جایزه دانشمند جوان برتر استونی به یک محقق زن ایرانی
کاهش زیان مردم سیل زده روستا با هوشمندی دهیار زن
کودگانی که فروخته می شوند
کوشندگان تا به آخر استوار
شعر هایی از شیخ بهایی و محمدحسین خوان یغما
سندیکا سنگر طبقه کارگر
سوء مدیریت در شرکت واحد بازهم قربانی گرفت

پیام سندیکا

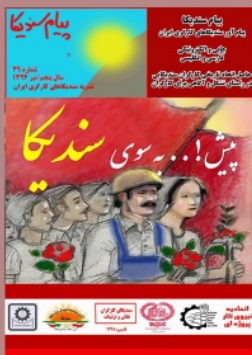
ماهنامه خبری-تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهاى کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکاهاى کارگری
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
سندیکای کارگران نقاش و تزئینات
سندیکای کارگران بنا
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
اتحادیه نیروی کار پروژه ای



<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
sfelezkar1961@gmail.com
www.sfelezkar.com
irunionmessenger@gmail.com



سرپیام

توافق هسته ای و کارگران

توافق هسته ای بیم ها و امید هایی را در میان کارگران برانگیخته است. آنچه مسلم است سندیکاهای کارگری خواهان ارتباط برابر با همه کشورها بصورت انسانی و نه با شیوه های استعماری و جنگ طلبانه است. ما از همه گفتگوهای ضد جنگ و صلح طلبانه در منطقه حمایت می کنیم. اما برای زحمتکشان ایران سوال هایی مطرح است که با گذشت زمان و فرو نشستن گرد و خاک تبلیغاتی توافق عیان خواهد شد.

آیا این توافق تاثیر ملموسی در زندگی مردم خواهد داشت؟ و باعث رونق اقتصادی خواهد شد؟ آیا پول های بلوکه شده به سر سفره های مردم آورده خواهد شد یا اینکه اختلاس ها سرعت بیشتری خواهد گرفت؟ آیا حقوق های عقب افتاده در عسویه که بیش از سه ماه آن می گذرد، پرداخت خواهد شد؟ آیا صنایع به کار خواهد افتاد و

کارگران از بیکاری نجات پیدا خواهند کرد؟ آیا گرانی و تورم از زندگی کارگران حذف خواهد شد؟ اقتصاد وارداتی، به اقتصادی مبتنی بر صنایع شکوفا و مستقل تبدیل خواهند شد؟ آیا اصول قانون اساسی از جمله بهداشت رایگان و آموزش رایگان و مسکن های مناسب و ارزان قیمت توسط دولت در اختیار مردم گذاشته خواهد شد؟ یا اینکه باز هم اجاره خانه و مسکن سیر صعودی پیدا کرده و بانک ها با دادن وام های کلان به سرمایه داران، به گرانی مسکن دامن خواهند زد؟

معیار سنجش منافع حاصل از این توافق برای اکثر مردم و طبقه کارگر حرف و کاغذ و وعده و وعید نیست. سنجش منافع حاصل از این توافق در رفع بیکاری، رفع گرانی از زندگی مردم، راه اندازی کارخانه های ورشکسته و رشد تولیدات داخلی هم سنگ با نمونه خارجی آن و از همه مهمتر تجدید نظر در سیاست های وارداتی و کوتاه کردن دست دلالان دولتی و

این طرح، که ریعی وزیر کار بر اجرای آن اصرار خاص دارد، در ظاهر و بصورت تبلیغاتی "انطباق قوانین و ساختارهای موجود تشکل‌های رسمی کارگری با مقوله‌های سازمان بین‌المللی کار" معرفی می‌شود. در واقع، وزارت کار- که پس از روی کار آمدن دولت روحانی- از زبان وزیر آن، یعنی علی ریعی، قول داده بود: "به باغبانی تشکل‌های کارگری" بپردازد، اینک در عمل محتوا و شکل و قالب "جدیدی" را برای فعالیت صنفی- سندیکایی طراحی کرده است که با برنامه‌های تقویت همکاری با سرمایه‌داری جهانی و مناسبات با امپریالیسم، انطباق دارد. باتوجه به سیاست جلب و جذب سرمایه خارجی و حضور شرکت‌های چندملیتی در بازار ایران، وزارت کار به صرافت افتاده است که باید جنبش کارگری و سندیکایی را کنترل کرد و امکان تحرک و فعالیت آن را محدود و هدایت‌شده ساخت. تا با قانونیت بخشیدن به قراردادهای موقت و شفاهی و قانون زادیی از محیط

غیر دولتی از بازرگانی خارجی است.

جنبش کارگری پس از توافق

مدتی است برنامه‌های برای مهار جنبش کارگری و متوقف ساختن آن را شاهدیم. هدف اساسی این برنامه، به تحلیل بردن و سرانجام ایجاد تفرقه و تجزیه در صف جنبش کارگری و سندیکاهای مستقل موجود است. علاوه بر ادامه سیاست دستگیری و بازداشت کوشندگان کارگری و کارگران سندیکایی شرافتمندی که خواهان برخورداری طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از حقوق سندیکایی بودند، طرح‌های دیگری را نیز شاهدیم که باید نسبت به آن‌ها با دقت و هوشیاری برخورد کرده و محتوای آن‌ها را در ارتباط با منافع و حقوق طبقه کارگر و مبارزات حال و آینده جنبش کارگری و سندیکایی مورد تحلیل قرار داد. در هفته‌های گذشته وزارت کار، جزییات طرح تغییر ساختار تشکل‌های کارگری را منتشر کرد.

تقویت اتحاد عمل در جنبش کارگری و سندیکایی، گره زدن مبارزه صنفی با مبارزه اجتماعی، با هدف بازسازی و تحکیم موقعیت جنبش کارگری در صحنه سیاسی کشور، پیوند زدن خواست‌های فوری‌ای مانند افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت، حق اعتصاب و حق برپایی سندیکا با مبارزه بر ضد برنامه‌های ضد مردمی، به خصوص سیاست‌های اقتصادی‌ای مانند خصوصی‌سازی و هدمندی یارانه‌ها، واردات بی رویه از جمله برنامه‌های طبقه کارگر باید باشد. این وظیفه‌ی بی‌درنگ پیش روی همه کارگران سندیکایی و اجتماعی است که در راه سعادت زحمتکشان می‌کوشند.

**اتحاد ما رمز پیروزی ماست
و مرگ سرمایه داری است!**

متحد شویم!

تحریریه پیام سندیکا



Union Messenger
Monthly Bulletin of Iran's Trade Unions
Internet: www.union-messenger.com
Email: unionmessenger@gmail.com
www.facebook.com/unionmessenger
Facebook

July 2014

Vol. 5 Issue 7

تحریریه اتحادیه
پیام سندیکا
شماره ۷
تابستان ۱۳۹۴

کارگری امکان کارگر ارزان و بی قانون در اختیار شرکت های سرمایه داری خارجی بوجود آید. آمدن مدیران بنز و پژو به ایران از جمله این حرکت هاست. دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار چندی پیش گفت: "در سال جاری با معاون روابط کار وزارت کار گفتگو شد و در موضوع ساماندهی قراردادهای کارگری، طرحی تهیه و پیگیری می‌شود". یعنی خانه کارگر هم با این طرح هماهنگ شده است. با دقت و تأملی بیشتر، می‌توان فهمید که موضوع این طرح کدام بخش از محورهای مبارزاتی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را نشانه گرفته است: الف - حق تشکلیابی و احیاء ایجاد سندیکاهای واقعی و به طور کلی احیای حقوق سندیکایی، ب - لغو قراردادهای موقت و تأمین امنیت شغلی.

امروز ضرورت اتحاد عمل در صنف جنبش کارگری و سندیکایی و پرهیز از تفرقه، عاملی است که باید بر آن تأکید کرد.

حقوق اجتماعی کوشندگان صنفي را رعايت كنيد!

يكماه است كه كوشندگان و سازمان گران صنفی آموزگاران را دربند کرده اند و در حال حاضر پنج آموزگار به خاطر كوشش در راه بهبود وضعیت معیشتی آموزگاران در بند قرار دارند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن اعتراض به این بازداشت ها و نقض حقوق اجتماعی شهروندان و كوشندگان صنفی از اعتراض خاموش شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور در تاریخ ۳۱م تیرماه در مقابل مجلس حمایت نموده و از اعضا و هوداران و دوستداران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک انتظار دارد از آموزگاران فرزندانشان حمایت تام و تمام کنند.

سندیکای کارگران

فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۴/۲۹

سرکوب زحمتکشان فرهنگی و معلمان معترض چراغ سبز به امپریالیسم است.

امروز هزاران معلم زحمتکش قصد داشتند در اعتراض به دستگیری دبیر مستعفی کانون صنفی خود آقای اسماعیل عبدي در مقابل مجلس اعتراض کنند اما نیروهای امنیتی، پیش از معلمان منطقه را قرق کرده و اجازه تجمع اعتراضی مسالمت آمیز به معلمان ندادند.

با فراخوان کانون صنفی معلمان، گروه کثیری از معلمان از دور و نزدیک به مقابل مجلس آمده بودند تا میزان تفاهم اهل قدرت با معلمان دلسوخته را بیازمایند. بسیاری از معلمان گمان می کردند، حاکمیت و دولتی که می تواند با همه قدرت های قدر جهان که در تحریم مردم ایران سهم بودند از در تفاهم در آید حتما اعتراض صنفی و مسالمت آمیز معلمان جامعه را نیز بر می تابد و در بدترین حالت اعتراضشان را بی پاسخ می

مدافعان حقوق آموزگاران را آزاد کنید!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در راستای دفاع از حقوق سندیکایی اقشار و طبقات زحمتکش وظیفه خود می‌داند از جنبش حق طلبانه ی معلمان و آموزگاران ایران دفاع نماید این قشر زحمتکش که با تحمل تبعیض‌ها در دستمزد و دیگر امتیازات، صبورانه زحمت تربیت فرزندان این و مرز بوم را بعهده دارند و در واقع برای آینده ی بهتر این کشور نقش اساسی را ایفا می‌کنند همانند دیگر اقشار زحمتکش حق دارند در ارتباط با دفاع از حقوق خود فعالیت نموده و اعتراضات خود را به گوش مسئولان حکومتی برسانند.

با توجه به تورم و گرانی های کمرشکن و اوضاع احوال اقتصادی نامناسب، زحمتکشان آموزش و پرورش همچون دیگر اقشار زحمتکش مانند کارگران و دیگر دستمزد بگیران شرایط

گذارد. اما بسیاری از معلمان پیش از هر گونه اعتراضی با خشونت دستگیر و روانه ی زندان شدند. و این آزموده را باز آزمودند که تفاهم با امپریالیسم هرگز به نفع زحمتکشان نبوده و نخواهد بود. و هر چه نزدیکی به امپریالیسم جدي تر باشد سرکوب زحمتکشان خشن تر خواهد بود.

کانون متحد کارگری «کمک» ضمن باور به این اصل انسانی که اعتراض به نابرابری از بدیهی ترین حقوق انسان است و معلمان در صورت سکوت در مقابل نابرابری علاوه بر محروم شدن از حقوق ابتدایی خود، آموزگار زشتی ها خواهند بود، دستگیری های اخیر را محکوم و از اعتراض معلمان حمایت می‌کند و پیگیرانه آزادی زحمتکشان زندانی و فعالان صنفی را خواستار است.

سی و يك تیر ماه ۹۴

کانون متحد کارگری «کمک»

تلاش هایتان را ارج می نهیم!



علی اصغر ذاتی دبیر تشکیلات
کانون صنفی معلمان ایران

هر روز صبح یادی از همکاران زندانی خودمان موجب می شود فراموش نکنیم چه تلاش های ارزشمندی افزایش حقوق مادی و حقوق اجتماعی ما را تامین می کند. از همراهی دریغ نورزیم. البته بسیاری از تلاشگران موثر در کنار ما و در بین همکاران و فعالان تشکل های صنفی و اجتماعی معلمان شهر ها هستند. از حفظ وحدت و همکاری با شورای هماهنگی تشکل های صنفی

سختی را خود و خانواده هایشان تحمل می کنند. بنابراین سزاوار است مسئولان حکومتی به جای دستگیری و زندانی کردن کوشندگان صنفی فرهنگی به فریاد دادخواهی آنان گوش فرا دهند و مشکلات آنان را حل نمایند.

در این راستا سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خواستار آزادی بلا قید و شرط کوشندگان کانون صنفی معلمان ایران می باشد.

سندیکای کارگران

شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و

حومه

تیر ۱۴، ۱۳۹۴



پایان اعتصاب در پالایشگاه ستاره خلیج پارس

kmkoomak.wordpress.com

علت حمله کارگران به برخی از تاسیسات پالایشگاه و وارد کردن خسارت بدان از جمله آتش نشانی بی اعتنایی مسئولان به اعتراضات کارگران و دستور آقایان به ماشین های آتش نشانی تا با کمک آب با فشار بالا؛ کارگران را متفرق کنند. که در نتیجه کارگران با سنگ حمله متقابل کردند و آن خسارات به وجود آمد. با مداخله نیروهای یکان ویژه و تیراندازی هوایی اعتصاب پایان یافت. و بر اساس شایعات ۱۵ نفر دستگیر شده اند.

اتحادیه نیروی کار
پروژه ای ایران
۳۰ تیر ماه ۹۴

فرهنگیان کشور غافل نباشیم و دوستی ها را مستحکم نگاه داریم. نخواهیم که همه فقط مثل ما فکر کنند و به سلیقه و دیدگاه های متفاوت احترام بگذاریم حتی اگر با اندیشه ما تفاوت داشته باشد.



رسول بداقی - اسماعیل
عبدی - علی اکبر باغانی -
عبدالرضا قنبری - علیرضا
هاشمی - محمود باقری

روند اعتصاب کارگران پالایشگاه ستاره خلیج پارس

کلیه کارگران شرکت تهران جنوب از ۲۲ تیر ماه ۹۴ بدلیل عدم پرداخت حقوق فروردین تا به امروز دست به اعتصاب زدند کارگران ا. دی. سی. سی و کارگران آبدراهان از روز چهارشنبه به اعتصاب پیوستند به دلیل وضع نامناسب غذا و خدمات خوابگاه ها این اعتصاب به دلیل بی توجهی مسئولان به خشونت کشیده شد و کارگران به اوژانس پالایشگاه که متعلق به بخش خصوصی بود و آتش نشانی و آشپزخانه حمله کرده و باعث خساراتی به آنها شدند.

اعتصاب در پالایشگاه ستاره خلیج پارس بندر عباس

کارگران پالایشگاه ستاره خلیج پارس به دلیل عدم پرداخت حقوق فروردین تا به امروزشان ، از روز پنجشنبه ۲۵ تیرماه دست به اعتصاب زدند ولی به دلیل بی توجهی مسئولان، بی صبری کارگران به تشنج و حمله به آتش نشانی خوابگاه ۷۰۰۰ نفری کارگری و حمله به آشپزخانه آن منجر گردید.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

۲۷ تیرماه ۹۴

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

۲۷ تیرماه ۹۴

شود. نامه زیر در تاریخ ۱۴ تیر نوشته و ۱۷ تیر در دبیرخانه این وزارت خانه ثبت شد.

در تاریخ ۲۴/۴/۱۳۹۴ نامه ای با شماره ۷۴۱۳۵ از طرف دلاور نظری مدیرکل سازمان های کارگری و کارفرمایی به رفیق مان گیلانی نژاد نوشته و در تاریخ ۵/۵/۱۳۹۴ به ایشان توسط نامه رسان تسلیم شد.

گزارش های خبرنگاریام سندیکا



مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

نامه درخواست مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک از وزارت کار

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی
به: معاونت کل سازمان های کارگری و کارفرمایی
از: سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

ما لیسوا تشکیل زیر اجتماعت هیئت تارک ۱۲ مین مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک به شماره ثبت ۲۲۰ و تاسیس ۱۳۲۹ در آن وزارتخانه، درخواست می کنیم طبق اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و اصل صریح آن قانون مبنی بر آن... همچنین با اسی بران از شرکت در هیئت مجمع کارگری و به شرکت در یکی مجوز ساختن به برای تشکیل مجمع عمومی این سندیکا خواستار یکی از سان های اجتماعت وزارت کار و با سازمان تدین اجتماعت هستیم، لذا خواهشیم برای تشکیل مجمع عمومی در اظهارات فرار گیریم.

هرگونه همکاری این وزارت خانه در این مهم، در راستای اجرای قانون اساسی و قانون مدنی و انضام به آن را موجب خواهد شد.

هيات تارک ۱۲ مین مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
تیرماه ۱۳۹۴

۱- سائیز گیلانی نژاد
۲- بهی سعیدی
۳- حمید تهرانی
۴- ماز محمد گری
۵- محمد حسین طه پندار زور
۶- محمد کافه

جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
سازمان حفاظت بهداشت کار

جناب آقای رفیق مان گیلانی
با سلام

با اذیت به نامه شماره ۷۴۱۳۵ مورخ ۲۴/۴/۱۳۹۴ به آگاهی می رساند: مطابق مقررات اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۱۶ قانون کار جمهوری اسلامی ایران تشکیل هیئت های صنفی پس از طی فرایند استواری، تحت عنوان "کمیته صنفی" ملایمت می نماید.

سازمان حفاظت بهداشت کار

کمیته صنفی کارگران فلزکار مکانیک
آدرس: خیابان آزادی، پلاک ۱۱۴
تلفن: ۰۲۱-۷۵۸۲۱۸۲۱
Website: info@gsa.gov.ir
Email: info@gsa.gov.ir

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۵/۰۵

سازمان حفاظت بهداشت کار - کد ملی: ۱۵۷۱۱۱۱۱۱۱۱
Website: www.gsac.gov.ir Email: info@gsa.gov.ir

در تاریخ ۱۱/۴/۱۳۹۴ تصمیم گرفته شد نامه ای به وزارت کار از سوی برگزار کنندگان مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک به وزارت کار نوشته و به این وزارت خانه جهت تعیین محلی در داخل وزارت خانه داده

تجمع آموزگاران مقابل مجلس

در تجمع آموزگاران در مقابل مجلس و پراکندن و دستگیری آموزگاران، رانندگان دو دستگاه اتوبوس های شرکت واحد با سوار نمودن آموزگاران بسیاری از آنان را از دستگیری نجات دادند. این رانندگان با دور زدن بیش از دوبرار در اطراف مجلس نه تنها با اعتراض مسافرین روبرو نشدند بلکه با همراهی مسافرین این آموزگاران را از مهلکه نجات دادند. یکی از مسولین کانون صنفی معلمان ایران ضمن سپاسگزاری از این حرکت سندیکایی از بودن چنین کارگران آگاهی اظهار خشنودی کرده و به سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد در آموزش چنین کارگرانی خسته نباشید گفت.

۱۳۹۴/۵/۱

گزارش از ایران خودرو

با افزایش ۶۰۰ هزار تومانی دریافتی کارگران و رضایت مندی نسبی

ایجاد شده از این دریافتی، متأسفانه سودجویی کارفرما از کارگران بیشتر شده است. سه سال است که ایران خودرو از استخدام کارگر چه روزمزد، چه پیمانی و قراردادی خوداری کرده و به جای کارگرانی که بازنشسته شدند و یا بعضی از کارگرانی که شرکت از کارشان رضایت نداشت و قراردادهای آنها تمام شده بود، کارگر نگرفته است. در این سه سال با کاهش حداقل ۱۰ درصد نیروی کار، کارگران مجبورند به جای آیین تعداد هم کارکنند. از اوایل دیماه سال گذشته تولید افزایش یافت و امروز تولیدات کارخانه به حد نصاب سه سال گذشته رسیده است. طی ماه رمضان بسیاری از کارگرانی که روزه دار بودند به خاطر شدت کار از حال رفته و به درمانگاه ایران خودرو منتقل شدند. ۶۰۰ هزار تومان حقوق افزایش یافته حقوق کارگرانی است که از شرکت رفته اند در حقیقت ما حقوق این کارگران را گرفته و بجایشان کار می کنیم. یعنی کارخانه با این حقه از هزینه هایش

زمین سقوط کرده و قبل از رسیدن به بیمارستان کشته شد. منصور از شهرستان دورود برای کار به این پروژه آمده بود. منصور دارای یک زن و یک فرزند دختر ۶ ساله است. منصور فدای سود جویی کارفرما گردیده است.

۱۳۹۴/۵/۱

بلا تکلیف ماندن ماده ۷ قانون کار



مانورهای وزارت کار برای فریب چه کسانی طراحی شده بود؟!

وزارت کار با ابلاغ دستورالعملی که پس از مدت کوتاهی آنرا پس گرفت، ظاهر قصد داشت انعقاد قرارداد کار کمتر از یک سال با کارگران در مشاغلی که ماهیت استمراری دارند را ممنوع اعلام نماید. در حالی که حتی ماده ۷

کم کرده و در عوض همان کار را از کارگران می‌گیرد.

۱۳۹۴/۵/۸

گزارش از کارگاه های ساختمانی

۱- در روز چهارشنبه ۳۱ تیر در پروژه ساخت پل حصار کرج به علت رعایت نکردن ایمنی توسط کارفرما در محل کار یک قالب آهنی از عرشه به ارتفاع ۱۰ متری به روی کارگری به نام علیرضا افتاد و باعث مجروحیت سخت این کارگر شد. کارگر مصدوم را با ماشین همکارانش به یکی از بیمارستان های کرج برده و بستری کردند. علیرضا وضعیت خوبی ندارد.

۲- در روز پنج شنبه ۱ مرداد در پروژه بانک سپه کوهک چیتگر به علت رعایت نکردن اصول ایمنی توسط کارفرما و نبود کمربند ایمنی و استخدام نکردن مسوول ایمنی ، منصور از اسکلتی که روی آن کار می کرد، از ارتفاع به روی

نمودن این ماده قانونی به کار نمی‌گیرد؟ پس گرفتن این دستورالعمل به نوبه خود نشانه دیگری از نیرنگ بازی و محتوای سیاست‌های وزارت کار در مقابله با زحمتکشان میهن ماست.

مسئول مرگ نماینده کارگران کیست؟!

روز ۲۶ خرداد ماه؛ محمدعلی میرزایی یکی از نمایندگان کارگران معدن زرنند در اثر حمله نیروهای انتظامی به اعتصاب کارگران کشته شد. مأمورین پلیس که به قصد متفرق کردن کارگران و باز شدن جاده برای عبور کامیون‌ها از گاز اشک‌آور استفاده نمودند به دنبال شلیک گاز اشک‌آور؛ محمدعلی میرزایی که از ناحیه چشم آسیب دیده بود و دید خوبی نداشت، با تریلر حامل زغال که قصد عبور از بین تجمع کنندگان را داشت برخورد کرد و کشته شد.

قانون کار فعلی بلا تکلیف مانده و هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد. در حال حاضر براساس قوانین موجود از جمله خروج کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، قراردادهای سپید امضا به کارگران تحمیل می‌شود و کارفرما در مقابل هیچ مرجعی پاسخگو نیست. پرسش اینجا است؛ با کدام ضمانت اجرایی قرار بود انعقاد قرارداد کار کمتر از یک سال با کارگران در مشاغلی که ماهیت استمراری دارند ممنوع شود و اصولاً نظارت و پیگیری این دستورالعمل با کدام ارگان بود؟

به علاوه هم اکنون در اغلب کارگاه‌ها قراردادهای ۲۹ روزه و یک ماهه و نیز کمتر از ۱ هفته منعقد می‌شود که وزارت کار از آن به خوبی مطلع است. از آنجا که تشکل صنفی- سندیکایی در این کارگاه‌ها وجود ندارد، قراردادهای موقت بیش از پیش رواج یافته است.

ماده ۷ قانون کار انعقاد قرارداد کار موقت زیر یک سال در کارهای ماهیتاً مستمر را ممنوع می‌کند؛ چرا وزارت کار امکانات خود را برای عملی ساختن و اجرایی

داد خود از که بخواهیم!

ما کارگران و زحمتکشان آیا به راستی شهروند این کشور هستیم؟ آیا به راستی حقوق ما را برسمیت می شناسید؟ یک کارگر بخاطر اعتراضی به شرایط غیرانسانی و دستمزد کم اخراج میشود. فعالین کارگری بخاطر مصاحبه و گفتن مشکلات کارگران به خبرگزاری های رسمی مورد تهدید قرار می گیرند و سپس توسط مقامات قضایی تهدید می شوند. آنهم در روز روشن و در مقابل خبرنگاران. هزاران کارگر به خاطر سیاست های غلط اقتصادی بیکار می شوند. حق اعتراض، حق تجمع اعتراضی هرچند قانونی هم نداریم، که اگر داشتیم این قدر زور نمی شنیدیم. حق ایجاد سندیکا‌های کارگری به خاطر دفاع از منافع خویش را نداریم. انواع مارکها و انگها به ما زده می شود، اما در قبال غارت اموال ما کارگران که در تامین اجتماعی جمع شده است هیچ اقدامی صورت نمی گیرد و عاملین این غارتگری راست راست آزاد

کارگران شرکت معدن جو شهر زرنند، در اعتراض به ۳ ماه بلاتکلیفی پس از تعطیلی معدن و بیکاری بیش از ۳۵۰ کارگر با تجمع در ابتدای جاده پابدانا، اقدام به بستن جاده کرده بودند. آنها خواستار فعالیت دوباره معدن، دریافت دستمزد معوقه و تامین امنیت شغلی هستند. محمدعلی میرزایی نماینده کارگران و از سازمانگران اعتصاب بود.

متأسفانه با نقض حقوق سندیکایی، کارگران مسئول مرگ این نماینده کارگران و نیز پایمال شدن منافع کارگران معدن زرنند قلمداد می شود. معرفی و مجازات آمران و عاملان این جنایت خواست کارگران است.

جواهریان کارگر معدن

جا انتظار داریم که تامین اجتماعی حامی ما باشد.

سرمایه تامین اجتماعی قطره قطره و ریال ریال از روی هم گذاشتن حق بیمه های ما جان به لب رسیدگان تامین شده است این سرمایه که بازیچه دست غارتگران قرار گرفته است ، از خون و زندگانی ما گرفته رنگ این هستی همه زحمتکشان ایران زمین است که چپاول شده است.

مجلس محترم در طی هشت سال گذشته متوجه قضایای تامین اجتماعی نبوده است؟ قوه قضاییه که گفتار و کردار همه آحاد ملت را رصد می کند متوجه قضیه نبوده است؟ بازرسان تامین اجتماعی ... برآستی هیچ کس ، هیچ آرگانی ، هیچ نهادی...؟ گویا همه کسانی که باید کار ایشان را نظارت می کردند، در تعطیلات بسر می بردند.

اکنون ما رنج دیده گان و ستم کشیدگان سیاست های به غایت غلط و نابخردانه اقتصادی که بدون

می گردند. و انگار نه انگار که اصلا اتفاقی افتاده است. غارت تامین اجتماعی بنا بر گزارش و اظهارات کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس و شخص رییس جمهور مبنی بر بدهی ۶۰ هزار میلیاردی دولت به تامین اجتماعی صورت گرفته است. دلیلی برای تعلل وجود دارد؟

بگیر و ببند فقط برای کارگران و زحمتکشان معترض است. اقدامات غارتگرانه و به یغما بردن اموال کارگران ایران که در دست سازمانی به نام تامین اجتماعی ضررش کمتر از اقدام اعتراض یک کارگر است؟ این کار به خطر انداختن امنیت ملی نیست؟ این قبیل اقدامات اذهان عمومی را تشویش نمی کند که گویا قانون و عدالت...؟

هزاران که نه بلکه میلیونها تن از ما کارگران اکنون بیکاریم . هیچ شغلی و هیچ کاری نداریم اکنون دیگر حتا کارگر هم نیستیم . کارگر بیکاریم. بدون هیچ حمایتی ، بدون هیچ در آمدی به حق و به

بانک مرکزی هزینه سال گذشته خانوار را ۳۳ میلیون تومان می‌داند.

مهمترین مسئله کارگران این است که سال‌های متمادی تلاش می‌کنند تا بهبودی در وضعیت دریافتی‌ها و دستمزد آنان حاصل شود اما تاکنون امکانی برای ترمیم دستمزدها فراهم نشده است. مقامات کارگری می‌گویند شورای عالی کار سال‌هاست با نظر دولت تصمیمات مصلحتی می‌گیرد و عدم اجرای قانون در این بخش، باعث شده است تا شکاف بین مزد و هزینه‌ها میلیونی شود.

طبق آنچه که بانک مرکزی اعلام کرده، هزینه‌های زندگی اقشار مختلف کشور در سال گذشته نسبت به سال ۹۲ به میزان ۴ میلیون و ۴۹ هزار تومان افزایش نشان می‌دهد. اهمیت بررسی گزارش معیشتی بانک مرکزی این است که بدانیم حداقل دستمزد ۱۲ ماه سال جاری مشمولان قانون کار تنها ۸ میلیون و ۵۴۴ هزار تومان است که با احتساب عیدی پایان سال این رقم نهایتاً به ۱۰ میلیون تومان

هیچ‌پشتوانه‌ای به مال خود رها شده ایم و در سخت‌ترین شرایط به سر می‌بریم، به‌که پناه ببریم. داد خود و غارت اموالمان در سازمان تامین اجتماعی را از که بستاییم؟ آیا وقت آن نرسیده که بازو در بازوی هم متحد شویم و به این نامردمی‌ها پایان دهیم؟ آیا با پیچ و پیچ و غر زدن کاری درست می‌شود؟ فرزندان عده‌ای با ماشین‌های میلیاردی در خیابان‌های تهران ویراژ می‌دهند چرا کسی نمی‌پرسد از کجا آورده‌ای؟

سیروس کارگر مکانیک

شکاف درآمد با هزینه کارگران ۲ میلیون تومان شد!

کسری درآمد و هزینه خانوار کارگری به بالاترین حد خود رسیده و در حالی دریافتی مشمولان قانون کار در سال جاری ۱۰ تا ۱۶ میلیون تومان است که

حذف بسیاری از نیازهای ماهیانه خود مانند مسافرت، پوشاک، حتی خوراک و بهداشت، حمل و نقل و غیره خواهند شد، همچنین ممکن است از یک خانواده بیش از یک نفر برای تامین هزینه های زندگی تلاش کنند.

دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور اظهارداشت: در بسیاری از موارد حتی کارفرمایان پرداخت حداقل دستمزد ۷۱۲ هزارتومانی را نیز رعایت نمی کنند، بنابراین نمی توان تصور کرد بیشتر کارگران بتوانند ماهیانه درآمدی بالاتر از یک میلیون تومان داشته باشند.

پورموسی ادامه داد: دستکم یک سوم کارگران حقوق و مزایای واقعی را دریافت نمی کنند. زمانی که حقوق کارگر به اندازه کافی نباشد، قطعاً ضرر و زیان آن به جامعه باز خواهد گشت، چون حداقل مزدهای فعلی تامین کننده هزینه های زندگی نیست.

خواهد رسید. با این وجود، ارقام یادشده در نهایت به دست حداقل بگیران در سال جاری نخواهد رسید، چرا که حتماً برخی کسور قانونی از جمله مالیات و بیمه از ارقام دریافتی کارگران کسر می شود. نکته حائز اهمیت این است که مقایسه ارقام دریافتی امسال کارگران با برآورد هزینه های زندگی در سال گذشته صورت می گیرد، بنابراین یقیناً هزینه های زندگی در سال جاری بیش از حدود ۳۳ میلیون تومان اعلام شده بانک مرکزی است که اگر همان افزایش سال ۹۲ تا ۹۳ را نیز در نظر بگیریم، هزینه های امسال خانوارهای شهری کشور به ۳۸ میلیون تومان نیز خواهد رسید.

براساس همین شاخص، در سال جاری هر خانوار کارگری ماهیانه دستکم ۲ میلیون و ۲۸ هزار تومان کسری درآمدی خواهد داشت که افزودن هزینه های مربوط به بیمه و مالیات به آن، بر این کسری خواهد افزود. در چنین شرایطی، کارگران مجبور به

است برای ۱۸ ساعت کار روزانه، انرژی خود را تقسیم کند و این مسئله باعث می‌شود تا نتواند در هیچ یک از محل‌های کاری خود بهره‌وری لازم را داشته باشد.

به گفته پورموسی، کار زیاد می‌تواند آرامش روحی و روانی افراد را نیز بهم بریزد و افراد مجبور باشند به صورت مداوم به مسائل معیشتی فکر کنند. با این نوع کار کردن، علاوه بر بیشتر شدن حوادث شغلی، خانوار نیز دچار مشکلاتی می‌شوند، همچنین بیماری‌های شغلی در اثر مسائل معیشتی و کار زیاد بروز خواهد کرد. وی خاطرنشان کرد: در کنار آسیب‌های ذکر شده، اشتغال افراد در دو تا سه شغل باعث می‌شود تا بسیاری از جوانان آماده به کار نتوانند فرصت ورود به بازار کار را پیدا کنند، بنابراین مسائل معیشتی و در نتیجه کار زیاد افراد باعث افزایش نرخ بیکاری نیز می‌شود.

فدایی کارگر خیاط

این مقام مسئول کارگری کشور تصریح کرد: هم‌اکنون کارگرانی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند، باید بیش از ۵۰ درصد درآمدهای خود را تنها به هزینه اجاره مسکن اختصاص بدهند. علاوه بر این، افراد هزینه‌های دیگری نیز دارند که باید تامین شود. به صورت کلی باید عنوان کرد دریافتی‌های فعلی، توان تامین هزینه‌های زندگی کارگران را ندارد و این مسائل باعث شده است تا برخی کارگران حتی به دنبال شیفتهای دوم و سوم نیز باشند. با این وجود، در قانون کار ساعت کار مجاز روزانه ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه تعیین شده است که در نهایت با اضافه کار نباید بیشتر از ۱۰ تا ۱۲ ساعت باشد و بیشتر از این، کارایی افراد را از بین خواهد برد.

مسائل معیشتی و کمبودهای درآمدی باعث شده است تا برخی افراد روزانه ۱۸ تا ۲۰ ساعت هم کار کنند که این نوع کار کردن اولاً بهره‌وری نیروی کار را زیر سؤال می‌برد و کارگر مجبور

در ایران چه می‌گذرد؟

وقتی در روستاها و یا در محله های جنوب شهر داخل خانه ای می شوید ، یکی از افراد خانه معتاد است آنهم نه به تریاک و یا هرویین که دیگر پیش پا افتاده است. فعلاً شیشه و کراک و قرص های روان گردان مد شده است. بیکاری بالای جان جوانان ما شده و آنها را به سمت اعتیاد می برد. سالهاست دیگر خبری از استخدام کارمند و یا کارگر نیست اگر پارتی داشته باشی بچه ات بیکار و ویلان نمی شود، وگرنه باید بچه لیسانس و فوق لیسانس برود ساندویچی و نظافتچی و یا کارگر بشود. خب اگه این مملکت به بچه تحصیل کرده احتیاج ندارد چرا این همه هزینه می شود تا بچه درس بخواند ؟ خب بگذاریم از اول برود سرکار. آیا رییس دولت باخبر نیست ؟ اگر باخبر هست چرا نه در دولت قبلی و نه در دولت فعلی فکری به حال بچه های مردم نمی کنند؟ این جوانان وقتی بعد از این همه سال درس خواندن کار گیرشان نمی آید

خوب معتاد می شوند. این مواد مخدر هم که معلوم نیست از کجا تریلی تریلی وارد می شود. سرمایه دارانی که پولشان از حد گذشته دیگر به سود های کوچک قانع نیستند و می روند در مواد مخدر که سود زیادی دارد سرمایه گذاری می کنند. برای نابودی سرمایه های این کشور که جوانان هستند مواد مخدر وارد می کنند. فسادهای مالی که دیگر هزار میلیاردی رو می شود چه کسانی هستند؟ خوب همین افراد که دزدی می کنند مواد مخدر هم وارد می کنند. دولت باید جلوی وام های بی پشتوانه را که همین سرمایه داران می گیرند و پولش را هم پس نمی دهند و به ریش مردم ایران می خندند را بگیرد. بانک ها شده اند مرکز رشوه بگیری . هرکسی که رشوه داد وام بزرگ برمی دارد . من کارگر که رشوه نمی دهم از وام هم خبری نیست. اگر همین چند رقم اختلاس را جمع کنیم حداقل هزار نفر سرکار می روند. حالا من که یک کارگر هستم فهمیدم که اینها که پول از بانک می گیرند با

می‌توانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند. بررسی وضع یک کارگر خدماتی زن، که در حین کار در خوابگاه‌های ما دچار آسیب بدنی شده است، می‌تواند معیار خوبی برای قضاوت باشد.

چطور دچار این سانحه شدید؟

مرداد دو سال پیش (۹۱) بود. در فاطمیه ۳ کار می‌کردم که غفلتاً پایم لغزید و افتادم. از زانو تا لگن پیچ خورده بود. مرا به بیمارستان شریعتی منتقل کردند. آنجا هی مرا این‌ور و آن‌ور می‌بردند. دکترها کاری نمی‌توانستند بکنند. می‌گفتند عمل سخت است و پزشک جراح هم تا ۳ روز دیگر نمی‌آید. با آمبولانس رفتیم بیمارستان پولی (خصوصی). بیمارستان ایران مهر. دیگر حالم خیلی بد شده بود. تا رسیدم همان وقت عکس را گرفتند و فردا صبحش هم عمل شدم. بعد از عمل ۲۴ ساعت بیهوش بودم. یکی دو روز هم در بخش اتاق احیا بودم تا به بخش بردند. بعد از مرخصی از

آن که مواد مخدر وارد می‌کند همدست هستند، دولت نفهمید؟؟

نبی‌اله معروفی بازنشسته

از شان نمی‌گذرم

گفتگو با یکی از کارگران خدماتی دانشگاه تهران

تهیه و تنظیم: آرام استکی

به نقل از نشریه دانشجویی رود - شماره ۲ آذر ۱۳۹۳

توضیح: گفتگوی زیر، گوشه‌یی از نحوه مدیریت را در دانشگاه تهران نشان می‌دهد. برای ارزیابی فضای جدید دانشگاه، اصلاً کافی نیست که به شاخص‌های جامعه مدنی، چیزهایی چون آزادی‌های قطره چکانی اکتفا کنیم. علاوه بر آن باید ببینیم آیا در این دانشگاه همگان

بود یا نه. بعداً بیمه جواب داد که فقط می‌تواند یک میلیون و ششصد تومان به من پول بدهد. می‌گفتند برای همه این طور است، چه بیمارستان دولتی رفته باشی چه پولی. می‌گفتند تو خودت خواستی بیمارستان پولی بروی. هر چه می‌گفتم: «علم خطرناک بود. دکتر خودشون گفتن عمل کردن توی بیمارستان شریعتی واسم خطر داره. مجبور شدم برم بیمارستان پولی» به خرج‌شان نمی‌رفت. با اینکه هزینه درمانم نزدیک ۱۰ میلیون بود، فقط همان یک میلیون و ششصد تومان را بهم دادند.

زمان حادثه شرکتی بودید یا قراردادی؟

وقتی لیز خوردم و عمل کردم، هنوز شرکتی بودیم. آن زمان هم که فقط بیمه تامین اجتماعی داشتیم. برای حق بیمه، هر ماه نزدیک ۴۰ هزار تومان از حقوق‌مان کم می‌شد. ولی شرکت دیگر بیمه تکمیلی و طلایی نمی‌داد. وقتی من لیز خوردم تازه قرار بود ما را

بیمارستان هم ۲ ماه در خانه خواهرم خوابیدم.

بیمه هزینه درمان شما را پرداخت؟

قبل از حادثه دفترچه‌های بیمه را برای تمدید داده بودیم. اما بعد که سر پا شدم و رفتم تا در این مورد پرس‌و‌جو کنم، گفتند به زودی، امروز و فردا تمدید می‌شود. دو سه ماه دفترچه را همین طور تمدید نمی‌کردند. چند دفعه با واکر و با همین پای شکسته، رفتم پیش سرپرست خوابگاه. دست آخر گفتند مدارک پزشکی‌ام را با گواهی دکتر برایشان ببرم تا آن‌ها را برای شرکت بفرستند. بعد یک ماه فهمیدم گواهی را هنوز برای شرکت نفرستاده‌اند. وقتی ازشان سوال کردم که چرا این طور شده، هیچکس جواب درستی نداد. گمانم هم عکس و هم گواهی را گم و گور کرده بودند و اصلاً برای شرکت هم نفرستاده بودند. دوباره رفتم دکتر و دوباره گواهی گرفتم و بردم. این یکی را هم گم کردند. دیگر نمی‌دانم این کارشان عمدی

پایم درد می‌کرد. ولی چاره‌یی نداشتیم. گفتیم بالاخره که باید بروم سر کار؛ وگرنه نانم بریده می‌شد. سرپرست خوابگاه پرسید: «می‌تونی با این پا کار کنی؟» من هم جواب دادم آره. یعنی مجبورم. دو ماه کار کردم. نزدیک عید که شد و عیدی‌ها را دادند دیدم نصف عیدی ما شرکتی‌ها را نمی‌دهند. آن روز یک کاغذ را دیدم که اسم ۱۸ نفر را در آن نوشته بودند. اسم من هم جزو آن‌ها بود. پرسیدم چرا این اسم‌ها را نوشته‌اید؟ مسئول‌های خوابگاه گفتند که از این موضوع خبر ندارند. وقتی بعد از عید سال ۹۲ برگشتم سر کار، ۱۶ یا ۱۸ فروردین بود که سرپرست‌مان صدایم زد. گفت که شما دیگر نباید این جا کار کنید. پرسیدم چرا؟ من کم‌کاری کرده‌ام؟! بی‌احترامی کرده‌ام؟! دیر آمده‌ام؟! چرا باید دیگر نیایم. گفت: «اداره تصمیم گرفته یه سری از نیروها رو بیرون کنه. شما هم جزو اوناییین.» بعداً فهمیدم که ۱۸ نفری که اسم‌شان را در آن کاغذ دیده بودم، همان‌هایی هستند که می‌خواستند

دانشگاهی (قراردادی) کنند. موقع شرکتی‌بودن حقوق‌مان نزدیک ۴۰۰ هزار تومان بود. می‌گفتند اگر دانشگاهی شویم، دستمزدمان زیادتر هم می‌شود. ما وقتی دانشگاهی شدیم که عمل من انجام شده بود. آن وقت من مرخصی و در خانه بستری بودم.

در دوره مرخصی پزشکی، حقوق می‌گرفتید؟

ماه اول استراحت، به من هم حقوق دانشگاهی دادند. اما سر ماه دوم گفتند شما دانشگاهی نشده‌اید. فقط هم من نبودم. چند نفر دیگر هم برای بار دوم شرکتی شدند. اضافه حقوق چند ماهی را که پول دانشگاهی داده بودند از حقوق بعدی‌ام کم کردند. اصلاً همان موقع که قرار بود دانشگاهی بشویم یک عده را دانشگاهی نکردند. آن‌ها تا مدت‌ها بعد، هنوز هم حقوق شرکتی می‌گرفتند.

توانستید بعد از عمل، سر کارتان برگردید؟

هر جایی که فکرش را بکنید رفتم؛ بلکه برم گردانند سر کارم. اما همه می‌گفتند نمیشود. رفتم پیش رئیس اصلی توی خود دانشگاه. گفت که باید از مسجد محل استشهادنامه بگیرم که شوهر ندارم. کسی را ندارم و خودم سرپرست خودم. من هم رفتم تاییدیه را گرفتم. دوباره رفتم پیش مسئول‌مان. (صدایش گرفته می‌شود و آه بلندی از سینه می‌کشد که راه گلوی بغض‌گرفته‌اش را بگشاید) گفتم: «آقای دکتر، من کسی رو ندارم، همه می‌دونن. آخه من که کاری نکردم. من توی خوابگاه افتادم پام شکسته. نزدیک ده میلیون قرض کردم تا هزینه‌های این پام رو بدم. چرا منو بیرون کردین؟ همه چیز دست شماست. خواهش می‌کنم بذارید من پیام سرکار.» رئیس‌مان از خوابگاه هم گزارش گرفته بود که من خوب کار می‌کنم. با این‌حال باز هم می‌گفت که نمی‌داند و باید بیشتر بررسی کند. چندین بار به من گفتم که باید بررسی کنیم. یک ماه طول کشید و این دکتر رفت و یکی دیگه

بیرون‌شان کنند. البته فقط خوابگاهی نبودند. من و یک دختر جوان را که فکر کنم دانشجوی هم بود و کارهای دفتری را انجام می‌داد، از خوابگاه انداختند بیرون. ۱۶ نفر دیگر پراکنده بودند از بقیه جاهای دانشگاه.

اسم‌ها را دانشگاه داده بود یا شرکت؟

اصلا مشخص نبود شرکت مرا بیرون کرده است یا دانشگاه. هیچ نوشته‌یی به من ندادند که به فلان دلیل دیگر نباید بروم سر کار. فقط همینطور شفاهی بهم گفتند که اخراجم. پیمانکار می‌گفت که دانشگاه مجبورشان کرده است تعدیل نیرو کنند. دانشگاه هم می‌گفت: «به ما ربطی نداره. پیمانکار خودش خواسته که این چند نفر رو بندازه بیرون.» هیچ‌کدامشان گردن نمی‌گرفتند. آخرش هم بی‌دلیل از کارم بیکار شدم.

برای این مشکل، از دانشگاه کمک خواستید؟

عیدی ما رو که ندادین. حقوق رو هم که هنوز پرداخت نکردین. پاداش هم که به ما ندادین.» جواب سربالا می‌دادند. می‌گفتند چون من از شرکت رفته‌ام و دانشگاهی شده‌ام، دیگر شرکت نباید چیزی به من بدهد. دیدم نه دانشگاه کاری برام می‌کند نه شرکت.

از آن‌ها شکایت کردید؟

آره. یک ماه بعد از اینکه اخراج کردند رفتم وزارت کار و از پیمانکار شکایت کردم. چون فقط تا یک ماه بعد از اخراج می‌توانیم شکایت کنیم و بعد از آن دیگر رسیدگی نمی‌کنند. خیلی طول کشید تا حکم را بدهند. نزدیک یک سال و چند ماه درگیر بودیم. خیلی رفتیم و آمدیم و خیلی دوندگی کردیم. چند بار دادگاه تشکیل شد. پیمانکار هم خیلی اذیت می‌کرد و هیچ همکاری نمی‌کرد. یک بار که اصلاً سر جلسه دادگاه هم نیامد. دادگاه هم رفت نوبت بعدی. بعدش هم باید شورای حل اختلاف تشکیل می‌شد. تا خرداد امسال طول کشید. ما هم که پول نداشتیم وکیل بگیریم.

جایش را گرفت. من دوباره رفتم. امیدوار بودم شاید دکتری که جدید آمده کاری کند. منشی‌اش مرا راه نمی‌داد. می‌گفت ما نباید بگذاریم تو با دکتر صحبت کنی. ولی از بس اصرار کردم آخرش اجازه داد بروم داخل. دکتر جدید اولش می‌گفت: «خانم چطور شما رو با ۵-۶ سال سابقه کار، یکدفعه بیرون کردن؟» اما بعدش او هم گفت باید بیشتر بررسی کند. پیش همه مسئول‌های دانشگاه رفتم. هی رفتم و آمدم. رفتم و آمدم اما هیچکدام هیچ کاری نکردند. پیش مسئول کارگزینی هم رفتم. داد می‌زد: «خانم گفتن برو بیرون... خب برو بیرون دیگه.» منم گفتم: «آقا این چه حرفیه که شما به من می‌زنین. من ۵ سال ۶ سال اینجا زحمت کشیدم. شما همین‌جوری می‌گید برو بیرون؟ من پام اینجا شکسته. یک عالم ضربه خوردم. من از جونم اینجا مایه گذاشتم.» اما او فقط جواب سربالا می‌داد. می‌گفت دیگر کسی این حرف‌ها را قبول ندارد. شرکت هم رفتم. گفتم: «شما کاری نکردین واسه من.

حکم صادر شده و معلومه که چقدر پول باید بهت می‌دادیم».

دانشگاه پولی بابت هزینه‌های درمان یا اخراج به شما پرداخت کرد؟

نه. دانشگاه هیچ پولی به من نداد. اصلاً می‌گفتند چون من در زمان حادثه شرکتی بوده‌ام، پس دانشگاه هیچ مسئولیتی برای این اتفاق ندارد. هرچه می‌گفتم که من این همه سال این‌جا، در خوابگاه شما کار کرده‌ام، اینجا لیز خورده‌ام و پایم شکسته است؛ فایده نداشت. برای اخراج هم که چیزی بهم ندادند. من به همان آقای دکتر گفتم که چرا هیچ نامه‌یی، نوشته‌یی، چیزی برای من نیامده که بگوید چرا دیگر نباید سر کار بیایم. آقای دکتر گفتند: «ما احتیاج نداریم نامه به کسی بدیم. هر کسی رو که بخوایم بیرون کنیم، بیرون می‌کنیم.» اصلاً شرکت هم اجازه نمی‌داد قرارداد را بخوانیم. خب من هم راستش اصلاً نمی‌دانم آیا شرکت باید پولی برای اخراج می‌داد یا نه. فقط بعد از این که

می‌خواستم ضررهایی را که به هم خورده بود، کمی جبران کنم. باید قرض‌هایی را که برای دکتر و عمل گرفته بودم، پس می‌دادم. هیچی نداشتم که تازه بخوام پول وکیل هم بدهم. مجبور بودیم خودمان همه کارها را بکنیم. به خاطر همین هم خیلی طول کشید.

بالاخره دادگاه چه حکمی داد؟

گفته بودند که اگر حکم به نفع ما صادر شود هم دفترچه بیمه را می‌دهند هم بیمه بیکاری. شورای حل اختلاف هم به نفع ما حکم صادر کرد. پیمانکار باید از همان وقت، بیمه بیکاری را ماه به ماه به حساب من واریز می‌کرد. ولی آن‌ها این کار را نکردند. فقط یک بار پولی را به اندازه ۱۸ ماه بیمه بیکاری یک‌جا به حساب ریختند. اما بعدش حتی دفترچه بیمه هم بهم ندادند. رفتم بیمه و گفتم لااقل این ۱۸ ماه را هم به اعتبار دفترچه اضافه کنید. اما آن‌ها هم این کار را هم نکردند. می‌گفتند: «دیگه اصلاً نمی‌شه کاری کرد. دفترچه رو هم نمی‌تونیم بدیم چون دیگه

گزارش سازمان جهانی کار در مورد سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

تیر ۱۴، ۱۳۹۴

سندیکای کارگران شرکت واحد ترجمه و متن انگلیسی گزارش کمیته آزادی تشکل سازمان جهانی کار در مورد شکایت سندیکای کارگران شرکت واحد به سازمان جهانی کار، برای اطلاع عموم کارگران زحمتکش منتشر می‌کند.

گزارش دوره ای- گزارش شماره ۳۷۵ ژوئن ۲۰۱۵

پرونده شماره ۲۵۰۸ (جمهوری اسلامی ایران) - تاریخ شکایت: ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۶ - همچنان مفتوح

۱- مقدمه

۲- بررسی پرونده در قبل

شکایت کردم و حکم شورای حل اختلاف آمد، شرکت مجبور شد یک میلیون و خرده‌یی، بابت عیدی و پاداش و این جور چیزها به من بدهد.

اکنون وضعیت زندگی‌تان چطور است؟

از بعد این قضیه در کنار همین یک دخترم و شوهرش، با هم زندگی می‌کنیم. بیمه بیکاری را هم که گفتم. به جای آن که ماه به ماه واریز کنند، یک پولی را یکجا دادند که آن هم تمام شد. هر چه اصرار کردم که دفترچه بیمه را بهم برگردانند زیر بار نرفتند. الآن بیمه هم ندارم. من خیلی اذیت شدم. ازشان نمی‌گذرم. من ۵-۶ سال در این دانشگاه زحمت کشیدم. حقوقم هم فقط ۳۰۰-۴۰۰ تومان بود. تا خواستم دانشگاهی شوم، بیرونم کردند. الان هم که هنوز بیکارم. با این سن و سال هم که دیگر جایی به من کار نمی‌دهند.

۳- پاسخ دولت (ایران)

۴- نتیجه گیری کمیته (کمیته آزادی تشکل سازمان جهانی کار)

۵- توصیه های کمیته نتیجه گیری کمیته (کمیته آزادی تشکل سازمان جهانی کار)

اتهامات: شکایت کنندگان (کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل) مدعی هستند که که مقامات دولتی و کارفرما، در چند نوبت بطور مستمر به اقدامات سرکوب گرانه علیه سندیکای کارگران شرکت واحد مبادرت کرده اند، از جمله: اذیت و آزار سندیکالیست ها و فعالین (کارگری)، حمله خشونت آمیز به مجمع عمومی موسس سندیکا، به هم زدن خشونت آمیز مجمع عمومی در دو نوبت، دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از اعضای سندیکا و رهبران آن با ادعاهای دروغین (بر هم زدن نظم عمومی، و فعالیت غیر قانونی سندیکایی)

۱. ۳۴۵. کمیته تا کنون هشت بار

مفاد این پرونده را مورد بررسی قرار داده است که آخرین بار آن در نشست مارس ۲۰۱۴ بود که کمیته، گزارش دوره ای خود را به هیات مدیره ارائه داد { گزارش ۳۷۱ پاراگراف های ۵۶۹-۵۵۰ تایید شده توسط هیات مدیره در نشست ۳۲۰ این هیات (۲۰۱۴)

۳۵۵. دولت (ایران) ملاحظات

خود را طی مکاتباتی در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۴ و ۱۰ مارس ۲۰۱۵ ارسال کرد.

۳۵۶. جمهوری اسلامی ایران

مقاله نامه آزادی تشکل و حمایت از حق تشکل یابی، مقاله نامه ۱۹۴۸ (شماره ۸۷) و مقاله نامه حق تشکل و مذاکره دستجمعی، مقاله نامه ۱۹۴۸ (شماره ۹۸) را امضا نکرده است.

A: بررسی پرونده در گذشته

همچنین حقوق (قانونی) او را به رسمیت بشناسد و نسبت به صدماتی که به او وارد شده غرامت بپردازد. کمیته از دولت ایران می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند.

(b): تا هنگام اجرای اصلاحات قانون (کار) کمیته از دولت ایران می خواهد که نشان دهد که چه اقدامات مشخصی در رابطه با به رسمیت شناختن دوفاکتوی سندیکای کارگران شرکت واحد انجام داده است، صرف نظر از اینکه این سندیکا به "کانون عالی انجمن های صنفی کارگری " نپیوسته است.

(c): کمیته بار دیگر از دولت ایران می خواهد که گزارشی دقیق از یافته ها و نتایج تحقیق سازمان بازرسی کل کشور و "مرکز حمایت از حقوق بشر" در مورد اتهام اذیت و آزار در محیط کار در دوره تاسیس سندیکای کارگران شرکت واحد از ماه مه تا ژوئن ۲۰۰۵ را ارائه دهد. کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می

۱. ۳۵۷. کمیته در نشست خود در مارس ۲۰۱۴ توصیه های زیر را مطرح کرد { نگاه کنید به گزارش ۳۷۱ پاراگراف ۵۶۹ }:

(a) : کمیته از دولت ایران انتظار دارد که بدون تاخیر بیشتر، نتیجه تحقیقات مستقل در مورد اتهام بد رفتاری با آقای ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، و آقای رضا شهابی، خزانه دار این سندیکا، در زمانی که آنان در حبس بودند را گزارش دهد. به علاوه کمیته انتظار دارد که چنانچه روشن شد که این اتهامات واقعیت داشته است به این دو رهبر سندیکا غرامت متناسب با آن پرداخت شود. و سرانجام اینکه کمیته، با دل گرمی از موضع دولت جدید مبنی بر مخالفت با حبس فعالین سندیکایی، از دولت تقاضا دارد که بدون تاخیر، موجبات آزادی مشروط، عفو و رهایی فوری آقای شهابی را از زندان فراهم کند و سایر اتهامات علیه ایشان را کنار بگذارد؛ و

ایران می‌خواهد که کمیته را از پیشرفت کار در این زمینه مطلع نگه دارد.

B پاسخ دولت ایران

۳۵۸. دولت ایران در مکاتبات خود در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ و ۱۰ مارس ۲۰۱۵ مجدداً تمایل خود مبنی بر همکاری با "دیپارتمان استاندارد های بین المللی کار" را اعلام می‌کند و اطلاعات زیر را ارائه می‌دهد. در مورد این اتهام که آقای ابراهیم مددی در زمانی که در زندان بود مورد شکنجه قرار گرفته است، دولت ایران اظهار می‌دارد که وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، موضوع را از طریق "ستاد حقوق بشر" (قوه قضائیه) پیگیری کرده است. بر طبق پاسخ دریافت شده از این ستاد از آنجا که طبق قانون اساسی، شکنجه غیر قانونی است آقای مددی در زندان مورد چنین رفتاری قرار نگرفته است. به علاوه دولت اشاره می‌کند که آقای مددی بعد از سی سال خدمت در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه،

خواهد که با توجه به اطلاعات آشکار شده از طریق این تحقیقات، اقدامات لازم را به عمل آورد تا همه کارکنان شرکت واحد در مقابل هر گونه تبعیض نسبت به آنان به خاطر عضویت در سندیکا و یا فعالیت سندیکایی بطور واقعی مورد حمایت قرار گیرند. کمیته از دولت ایران می‌خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند و همچنین از دولت می‌خواهد که نسخه ای از حکم دادگاه در مورد دعوی حقوقی سندیکای واحد در پیوند با حمله به نشست های سندیکا در ماه مه و ژوئن سال ۲۰۰۵ را به محض صدور آن، به کمیته ارائه دهد.

(d): کمیته از درخواست دولت ایران برای کسب همکاری تکنیکی از سازمان جهانی کار جهت آموزش نیروهای انتظامی این دولت به منظور مدیریت صحیح اعتراضات کارگری استقبال می‌کند و از دولت می‌خواهد بدون تاخیر، در این باره با دفتر سازمان تماس بگیرد. کمیته از دولت

(تشکلهای کارگری و کارفرمایی) تهیه شده و در حال حاضر در نوبت تصویب توسط پارلمان است.

۳. ۳۶۰. سرانجام اینکه دولت می گوید که در جریان صد و سومین اجلاس سازمان جهانی کار، دولت توافق نامه همکاری با "مرکز جهانی آموزش" وابسته به سازمان جهانی کار را امضا کرده است و متخصصان این مرکز با مقامات دولت و قوه قضائیه ملاقات کرده اند و امکان بر پایی یک دوره آموزشی برای قضات در دست بررسی است.

C نتیجه گیری های کمیته

۳۶۱. کمیته به خاطر دارد که این پرونده در ابتدا در ژوئیه سال ۲۰۰۶ و در رابطه با اقدامات سرکوب گرایانه علیه سندیکای کارگران شرکت واحد تشکیل شد و شامل موارد زیر است: اذیت و آزار فعالین سندیکایی و کارگری، هجوم خشونت آمیز به نشست موسس سندیکای واحد، برهم زدن خشونت آمیز مجمع عمومی

بازنشسته شده است. در پیوند با توصیه های مکرر این کمیته مبنی بر آزادی رضا شهابی از زندان، دولت می گوید که آزادی مشروط او از سوی مقامات قضایی مورد قبول قرار گرفته و ایشان در حال حاضر آزاد شده و به سر کار برگشته است.

۲. ۳۵۹. دولت ایران به علاوه به دیدار هیات اعزامی بلند پایه سازمان جهانی کار به ایران در ماه مه ۲۰۱۴ اشاره می کند. به گفته دولت ایران، هیئت اعزامی، با نمایندگان دولت و نمایندگان شرکای اجتماعی دیگر (نماینده کارفرمایان و تشکل های کارگری) ملاقات داشته و این امکان را یافته که شاهد عملی شدن حق آزادی تشکل توسط تشکل های کارفرمایی و کارگری باشد. به هیات اعزامی گفته شد که این تشکل ها نقش قابل توجهی در روند تصمیم گیری ها در سطح ملی ایفا می کنند. به علاوه دولت بار دیگر تاکید می کند که طرح اصلاحیه قانون کار در مشورت با شرکای اجتماعی

موقت ایشان توسط مقامات قضایی مورد قبول قرار گرفته و ایشان در حال حاضر آزاد شده و به سر کار باز گشته است.

۳۶۳. کمیته از عدم انجام تحقیق در مورد اتهام شکنجه شدن آقای مددی در زمان حبس متاسف است. از پاسخ دولت آشکار است که "ستاد حقوق بشر" نتیجه گرفته است که فقط به این دلیل که طبق قانون اساسی، شکنجه ممنوع است، پس آقای مددی مورد شکنجه قرار ننگرفته است. کمیته تاکید می کند که در رابطه با اتهامات مبنی برمورد شکنجه قرار گرفتن و یا بد رفتاری در زندان، دولت ها باید در باره این نوع شکایت ها ترتیب یک تحقیق کامل و مستقل فراهم نمایند. کمیته همچنین متاسف است که هیچ اطلاعاتی از سوی دولت به این کمیته در مورد نتایج تحقیق مستقل در باره اتهام مشابه (شکنجه شدن) در رابطه با آقای رضا شهابی (خزانه دار سندیکا) ارائه داده نشده است. بنابراین کمیته از دولت می خواهد که

سندیکا در دو نوبت و دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از اعضای سندیکا و رهبران آن با ادعای دروغین (بر هم زدن نظم عمومی و فعالیت غیر قانونی سندیکایی).

۳۶۲. کمیته، اطلاعات ارائه شده از سوی دولت ایران مبنی بر تلاش دولت در بذل توجه به توصیه های کمیته را در نظر دارد (a). کمیته به ویژه توجه دارد که در مورد اتهام شکنجه شدن آقای مددی (نایب رئیس سندیکای کارگرن شرکت واحد) در زمان بازداشت، دولت ایران می گوید که "ستاد حقوق بشر" نتیجه گرفته است که با توجه به غیر قانونی بودن شکنجه در قانون اساسی، آقای مددی در زمان بازداشت مورد چنین بد رفتاری قرار ننگرفته است. به علاوه دولت می گوید که آقای مددی بعد از ۳۰ سال خدمت در شرکت واحد تهران و حومه بازنشست شده است. در پیوند با توصیه های مکرر کمیته برای آزادی آقای شهابی از زندان، دولت اشاره می کند که آزادی

۳۶۵.۵. کمیته به این گفته دولت توجه دارد که اصلاحیه قانون کار در مشورت با شرکای اجتماعی تهیه شده است و هم اینک در نوبت تصویب توسط پارلمان است. کمیته به خاطر دارد که این کمیته قبلاً طرح اولیه اصلاحیه قانون کار را در چارچوب موضوع شماره ۲۸۰۷ } نگاه کنید به گزارش ۳۷۱ پاراگراف های ۵۷۰-۵۷۹ ماه مارس ۲۰۱۴} مورد بررسی قرار داده است. در آن زمان کمیته ضمن استقبال از ابراز قصد دولت مبنی بر اینکه که می خواهد اطمینان حاصل کند که قانون کار اصلاح شده و مقررات مربوط به آن، با موازین سازمان جهانی کار مطابقت داشته باشد، کمیته نتیجه گرفت در این مقطع روشن نیست که قانون کار و مقررات مربوط به آن تا چه حد از لحاظ حقوقی و نیز در عمل حقوق کارگران را تضمین می کند؛ تا بتوانند گرد هم آیند و بطور مستقل تشکل های مورد علاقه خود را ایجاد کنند، تشکل هایی که ساختارشان اجازه می دهد که اعضا، مسئولان

ترتیب تحقیقات مستقل در مورد اتهام بدرفتاری نسبت به آقایان مددی و شهابی در زمانی که زندانی بوده اند را فراهم نماید. به علاوه کمیته انتظار دارد چنانچه ثابت شد که این اتهامات حقیقت داشته است به هر دو رهبر سندیکا به نسبت غرامت پرداخت شود. کمیته انتظار دارد که دولت بتواند بدون هیچ تاخیر، نتایج این تحقیقات را به کمیته گزارش کند.

۳۶۴. کمیته ضمن خشنودی از خبر دهی دولت که آقای شهابی در حال حاضر بطور مشروط آزاد شده و به سر کار باز گشته است از دولت می خواهد که بدون تاخیر، آزادی کامل او را از طریق عفو و یا دیگر راهها تضمین کند و سایر اتهامات علیه او را کنار بگذارد، و همچنین همه حقوق قانونی او را ابقا کند و به ایشان به دلیل صدماتی که متحمل شده خسارت بپردازد. کمیته از دولت می خواهد که بطور مرتب در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند.

شرکای اجتماعی آن مورد بحث و بررسی قرار دهد. هیأت اعزامی از ابراز علاقه نمایندگان دولت در سطوح مختلف برای اصلاح قانون کار با این هدف که این قانون در تطابق کامل با اصول سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل قرار گیرد، استقبال کرده است. و در همین رابطه هیأت اعزامی مطلع شد که متن اصلاحیه قانون کار که در اکتبر ۲۰۱۳ به دفتر (سازمان جهانی کار) ارائه شده بود و از سوی کمیته در ماه مارس ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته بود آخرین اصلاحیه قانون کار نبوده است. به علاوه کمیته آگاه است که قطع نامه اخیر " کنفرانس ملی کارگری "

National labour

Conference

سازی زمینه و مقدمات برای امضا مقاله نامه های شماره ۸۷ و ۹۸ و ۱۳۸ سازمان جهانی کار شده است.

۳۶۷ با توجه به اینکه اصلاحیه قانون کار پیشنهادی در حال حاضر برای تصویب به مجلس

خودشان را انتخاب کنند، تشکلاتی که خودشان مقررات درونی خود را وضع و اجرا می کنند، فعالیت ها و مسایل درونی خود را سامان می دهند و برنامه خودشان را در دفاع از منافع کارگران بدون دخالت مقامات دولتی تدوین می کنند.

۳۶۶ در این رابطه، کمیته ارجاع دولت ایران به دیدار هیأت بلند پایه سازمان جهانی در ماه مه ۲۰۱۴ را مورد ملاحظه قرار می دهد. کمیته به خاطر دارد که هدف هیأت اعزامی که از سوی "کمیته اجرای استانداردهای اجلاس سازمان جهانی کار" در خواست شده بود، ارزیابی اوضاع در پیوند با مواردی بود که تحت مقوله نامه ۱۹۵۶ (شماره ۱۱۱) در مورد تبعیض (کار، اشتغال) مطرح شده بود. به علاوه کمیته می داند که هیأت اعزامی فرصت این را یافته است که مسایل مربوط به آزادی تشکل در ایران و راه حل های ممکن و چگونگی پیش روی در این امر را با دولت و

موضوع انحصار تشکلاتی است که قانون کار کنونی از آن صیانت می‌کند و به تثبیت رساندن تشکلات خارج از ساختارهای موجود را غیرممکن می‌سازد. بنابراین کمیته تا پیش از اجرای اصلاحیه قانون کار، از دولت می‌خواهد که نشان دهد چه اقدامات مشخصی را در رابطه با به رسمیت شناختن دوفاکتوی سندیکای کارگران شرکت واحد، صرف نظر از نپیوستن این سندیکا به "قانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری" انجام داده است.

۳۶۹ به علاوه کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می‌خواهد که گزارشی دقیق از یافته‌ها و نتایج تحقیق سازمان بازرسی کل کشور و "ستاد حقوق بشر" در مورد اتهام بدرفتاری در محیط کار در دوره تاسیس سندیکای کارگران شرکت واحد از ماه مه تا ژوئن ۲۰۰۵ را ارائه دهد. کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می‌خواهد که با توجه به اطلاعات آشکار شده در این تحقیقات، اقدامات لازم را به عمل

ارایه داده شده، کمیته انتظار دارد این قانون و مقررات همراه آن بطور موثر و بدون تاخیر به گونه‌ای اصلاح شود که این قانون در تطابق کامل با اصول آزادی تشکل قرار گیرد و به کثرت‌گرایی سندیکایی در تمام سطوح فرصت داده شود. کمیته دولت را تشویق می‌کند که کمک‌های تکنیکی دفتر سازمان جهانی کار در این مورد را پذیرا شود و در همین رابطه آخرین نسخه متن اصلاحیه قانون کار را به این دفتر ارسال کند؛ با حصول اطمینان از اینکه این طرح در تطابق کامل با اساسنامه سازمان جهانی کار و مقاله‌نامه‌های اجرایی قرار دارد.

۸ . ۳۶۸ کمیته عمیقاً متأسف است که دولت هیچ توضیحی در مورد اقدامات خود در انجام توصیه‌های معوق مانده، ارائه نداده است. در ارتباط با به ثبت رسانیدن سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کمیته به خاطر دارد که مانع قانونی‌ای که در قبل نیز در این مورد مطرح شده بود

آموزشی- سازمان جهانی کار یک دوره آموزشی در مورد استانداردهای جهانی کار را برای قضات برپا نماید. کمیته از دولت ایران می‌خواهد که کمیته را از پیشرفت کار در این زمینه آگاه نگه دارد.

توصیه های کمیته

۱-۳۷۱ با در نظر داشتن نتیجه گیری فوق، این کمیته از هیات مدیره (سازمان جهانی کار) تقاضا می‌کند که توصیه های زیر را به تصویب برساند:

کمیته از دولت ایران می‌خواهد که ترتیب یک تحقیق مستقل در مورد اتهام بد رفتاری با آقای ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد، و آقای رضا شهابی خزانه دار سندیکا زمانی که آنها در حبس بودند را فراهم کند. به علاوه کمیته انتظار دارد چنانچه مشخص شد که این اتهامات حقیقت داشته است، به این هر دو رهبر سندیکا به همان نسبت خسارت پرداخت شود. کمیته

آورد تا همه کارکنان شرکت واحد نسبت به هرگونه تبعیض به خاطر عضویت در سندیکا و یا فعالیت سندیکایی بطور واقعی مورد حمایت قرار گیرند. کمیته از دولت ایران می‌خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند و همچنین از دولت می‌خواهد که نسخه ای از حکم دادگاه در مورد دعوی حقوقی سندیکای واحد در پیوند با حمله به نشست های سندیکا در ماه مه و ژوئن سال ۲۰۰۵ را به محض صدور آن، به کمیته ارایه دهد.

۱۰ کمیته به خاطر دارد که قبلا از درخواست دولت ایران مبنی بر کسب همکاری سازمان جهانی کار برای آموزش دهی به نیروهای انتظامی جهت مدیریت درست اعتراض های کارگری استقبال کرده است و انتظار دارد که دولت ایران هر چه زودتر در این باره با دفتر سازمان جهانی کار تماس بگیرد. به علاوه کمیته توجه دارد که دولت ایران علاقه نشان داده است که در همکاری با مرکز

چارچوب آخرین طرح اصلاحیه قانون کار را به این دفتر ارائه دهد؛ به این منظور که اطمینان حاصل شود که این طرح در تطابق با اصول آزادی تشکل، آن گونه که در اساسنامه سازمان جهانی کار و دیگر مقوله نامه های مربوط به آن آمده، قرار دارد.

تا هنگام اجرای اصلاحات قانون (کار) کمیته از دولت ایران می خواهد که نشان دهد چه اقدامات مشخصی در رابطه با به رسمیت شناختن دوفاکتوی سندیکای کارگران شرکت واحد انجام داده است، صرف نظر از اینکه این سندیکا به "قانون عالی انجمن های صنفی کارگری" نپیوسته است.

کمیته بار دیگر از دولت ایران می خواهد گزارشی دقیق از یافته ها و نتایج تحقیق سازمان بازرسی کل کشور و "ستاد حقوق بشر" در مورد اتهام بدرفتاری در محیط کار در دوره تاسیس سندیکای کارگران شرکت واحد از ماه مه تا ژوئن ۲۰۰۵ را ارائه دهد. کمیته یک

انتظار دارد که دولت ایران این توانایی را خواهد داشت که نتایج تحقیق در این زمینه را بدون تاخیر بیشتر، گزارش دهد.

کمیته از دولت ایران می خواهد که بدون تاخیر بیشتر، آزادی بدون قید شرط آقای رضا شهابی را از طریق عفو و یا راههای دیگر فراهم کند، سایر اتهامات علیه ایشان را نادیده بگیرد، همچنین تمام حقوق قانونی ایشان را ابقا نماید و به خاطر صدماتی که به ایشان وارد شده است به او خسارت بپردازد. کمیته از دولت می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند.

کمیته انتظار دارد که قانون کار و مقررات مربوط به آن بدون تاخیر به گونه ای اصلاح شود که این قانون در تطابق کامل با اصول آزادی تشکل، که شامل کثرت گرایی سندیکایی در همه سطوح باشد، قرار بگیرد. کمیته دولت را تشویق می کند که در این رابطه کمک تکنیکی دفتر (سازمان جهانی کار) را بپذیرد و در این

جهانی کار) تماس بگیرد. بعلاوه کمیته توجه دارد که دولت ایران پیش تر اعلام تمایل کرده بود که دوره آموزشی در مورد استانداردهای جهانی کار برای قضات برگزار کند. کمیته از دولت می خواهد که کمیته را در جریان چگونگی پیشرفت کارها در این مورد قرار دهد.

کمیته از هیات مدیره (سازمان جهانی کار) تقاضا دارد که به این پرونده بسیار سنگین و اضطراری، توجه ویژه ای مبذول دارد.

ترجمه از: ایوب رحمان

بار دیگر از دولت ایران می خواهد که با توجه به اطلاعات بدست آمده از این تحقیقات، اقدامات لازم را به عمل آورد تا همه کارکنان شرکت واحد نسبت به هرگونه تبعیض به خاطر عضویت در سندیکا و یا فعالیت سندیکایی بطور واقعی مورد حمایت قرار گیرند. کمیته از دولت ایران می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند و همچنین از دولت می خواهد که نسخه ای از حکم دادگاه در مورد دعوی حقوقی سندیکا واحد در پیوند با حمله به نشست های سندیکا در ماه مه و ژوئن سال ۲۰۰۵ را به محض صدور آن، به کمیته ارائه دهد.

با یادآوری اینکه کمیته، پیش تر، از درخواست دولت ایران از سازمان جهانی کار برای ارایه همکاری تکنیکی جهت آموزش نیروهای انتظامی به منظور مدیریت مناسب اعتراض های کارگری استقبال کرده است، از دولت می خواهد که در این زمینه بدون تاخیر با دفتر (سازمان



تامین اجتماعی با ثروتی پُر حجم ، ولی خدمات دهی کم اثر و ناکارآمد!

آیا تمام مشمولین ارگانی به نام تامین اجتماعی را که قدمتی نسبتن دیرینه دارد می شناسند؟ آیا سازمان به درستی شرح وظایفش را برای آحاد تحت پوشش مطابق مصوبه داخلیش بدون تبعیض انجام می دهد؟ خیر هرگز.

این نهاد مالی پرآوازه همچون شیر بی یال و دمی در آمده است که شکارچیاناش در بنگاه غول پیکر مالی شرکت شستا با بخشنامه های شصت تیری برای کشیدن و انهدام آن خیز برداشته اند و اشخاص طمع ورز و پر نفوذ ، تمام این ثروت خاموش و منابع را به انحصار خود در آورده اند، بدون اینکه ذره ای باور داشته باشند که ریال به ریال منابع تامین اجتماعی قطره قطره از عرق جبین کارگران این آب و خاک است که در آن نهاد مالی اندوخته شده است. بنده نگارنده این یادداشت ۵۹ سال

دارم و ۳۹ سال سهم بیمه پرداخت نموده ام. اگر از تمام کارگران چه آنهایی که سرکارند و چه آنهایی که بازنشسته شده اند بپرسید آیا مدیران درجه اول تامین اجتماعی برای یکبار هم که شده است در تمام طول تاسیس این نهاد مالی به شما بیلان آن سرمایه کلان را و سود این ثروت عظیم را داده اند؟ جواب خیر است. سازمان تامین اجتماعی که می گویند در تمام بخش های اقتصادی عالم و آدم سرمایه گذاری کرده است ، سود سهام و منابع مالی اش امروز با چه نوع نظارتی و به حساب چه کسانی سرازیر می شود ؟ البته روشن است به جیب همان مدیران انحصارگری که هم خودی و هم جزو از ما بهتران هستند. زیرا که رانت خواری از اندوخته های زحمت کش ترین مردم جامعه یعنی کارگران برای آقایان یقه هفت پوش و با محاسن و ریش آسان ترین راه است. رانت و ایجاد بنگاههای بیمه گذار رانت خواری در بخش ساخت و ساز مراکز درمانگاهی و بیمارستانی از طریق

بین مضمولین و مسولین پرقدرت سازمان تامین اجتماعی را به روایت طنز گونه به خاطرتان می آورم.

مدیر شیک پوشی از اندوخته صندوق کیف پر از پولی را برداشت و به مسافرت می رفت. مردی سالخورده و بازنشسته با پرونده ای پزشکی او را دنبال می کند و می گوید این پول هنگفت که همراه توست پول دارو و درمان من است. آن مرد شیک پوش به مرد بازنشسته می گوید نگران نباش اگر برگشتم جبران می کنم. وقتی آقا بازگشت کارگر بازنشسته اعتراض گر از نبودن دارو فوت شده بود. وقتی که بر سر خاکش رفت، گفت: خدایت بیامرزد، از دست تو اعتراض گر هم خلاص شدم و دیگر مانده آن ملاحین که با یک پاداش پانصد میلیون تومانی دیگر از صندوق خودش قبض روح می شود و فوت می کند و می گوید پایان خوش این سفر خارجی این است که دیگر مزاحمی از طرف این بازنشستگان گستاخ و

مناقصه و مزایده های رابطه ای خویشاوندی، رانت خواری در زمینه تهیه و توزیع تجهیزات پزشکی بیمارستانی، رانت خواری در بخش دارو و سهم رانت گیری خارجی و داخلی در هتلهای چند ستاره و حق ماموریت های ده ها میلیون تومانی، رانت بهره مندی از وام های کم بهره برای خودشان استفاده از رانت استخدامی که در انحصار مسوولان و کارمندان آن سازمان جهت استخدام فرزندان خود و خویشاوندان است و پرداخت وام هایی با بهره ۲۵ درصد به بالا به تحت پوششان. لذا اگر چنین نبود بنده هم با پرداخت سی و نه سال حق بیمه می توانستم یکی از شش فرزندم که همه تا سطح کارشناسی در رشته های کامپیوتر، زبان، مدیریت و غیره درس خوانده اند را در سازمان تامین اجتماعی مشغول به کار کنم که این آوازه از دور خوش سایت استخدامی تامین اجتماعی همیشه باز ولی برای فرزندان صاحبان اصلی منابع آن همیشه بسته است. لاجرم تفاوت

۲۳ تیر ۱۳۲۵ نقطه عطف خیزش جنبش کارگری ایران



با تاسیس شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران در بهار سال ۱۳۲۳ جنبش کارگری ایران به سطح بالاتری از اتحاد دست یافت و در این سطح با کارفرمایان بزرگ از جمله شرکت انگلیسی نفت در جنوب، خاندان پهلوی و سرمایه داران صنعتی و خدماتی به مقابله و رو در رویی پرداخت. اوج این کشمکش در ۲۳ تیر و در اعتصاب کارگران شرکت انگلیسی نفت پدیدار شد. از اوایل سال ۱۳۲۵ دولت وقت ایران و استعمار انگلیس گزارشاتی از قدرتمند شدن زحمتکشان دریافت

بد اخلاق نداریم. در پایان ماجرا بیان واقعیت از من نگارنده مطلب و قضاوت از شما شرکا و سهامداران ثروت با قناعت اندوخته شده که مسولانش شاید در همین حال حاضر در کانادا سرگرم خرید خانه و بنیان نهادن شرکت های خصوصی می باشند. کارگران و باز نشستگان مطلع باشید که هرگاه جلوی زبان را بگیرید به نفع است.

علی کارگر

شرکت تخته شده لوله
سازی خوزستان.

« نظارت بر سازمان
تامین اجتماعی از
خواسته های اصلی
سندیکا‌های کارگری
است »

می‌کند و خلع ید از شرکت ایران و انگلیس را خواستار شد. کنسول بریتانیا در خرمشهر هشدار داد که در این مراسم سخنگوی زنان نه تنها تقاضای یک قانون کار جامع متشکل از پرداخت برابر برای کار مساوی را مطرح کرده، بلکه خواستار ملی شدن نفت شده است.» (۱)

بعد از این راهپیمایی و واکنش انگلیسی‌ها، اعتصاب سراسری کارگران لکوموتیو بدلیل فحاشی سرپرست انگلیسی به کارگران سرآغاز قدرت نمایی طبقه کارگر را رقم زد. در پی این اعتصاب ۳ روز بعد اعتصاب کارگران نفت آغاچاری برای: «اضافه دستمزد، ساختن خانه برای کارگران، تهیه دکتر و قابله و درمانگاه برای کارگران، پرداخت مزد روز جمعه» آغاز شد.

روز بعد ۳۵۰ نفر از کارکنان کارخانه‌های تقطیر و قیر پالایشگاه برای همدردی با کارگران لکوموتیو به این اعتصاب پیوستند. در ۱۸ اردیبهشت طی مذاکره

می‌کردند. در اول ماه مه ۱۳۲۵ فقط در تهران ۶۰ هزار نفر در راهپیمایی روز کارگر شرکت کردند و سخنرانی رضا روستا رهبر شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران از رادیو به مناسبت اول ماه مه پخش شد. بیش از ۳۰۰ هزار کارگر در سراسر ایران با رهبری شورای متحده در راهپیمایی روز اول ماه مه شرکت کردند و این قدرت نمایی طبقه کارگر در برابر استعمار و دیکتاتوری بود. نقطه عطف این راهپیمایی در خوزستان بود که طبقه کارگر متشکل در صنایع نفت سینه به سینه استعمار انگلیس ایستاد.

« در راهپیمایی ۱۳۲۵/۲/۱۱ خوزستان، سخنرانان خواستار ۸ ساعت کار، افزایش دستمزد، بهبود وضع مسکن، حقوق روزهای جمعه، تدوین قانون جامع کار شدند. یک سخنران زن، نفت را مروارید ایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگها بیشتر از مزد کارگران خرج

را تعطیل کنند، اضافه کاری با ۵۰ درصد اضافه دستمزد تعیین شد، مرخصی سالانه پانزده تا یکماه مقرر شد، پرداخت دستمزد روزهای تعطیل یا روزهایی که به دستور کارخانه دار کارمتوقف میشود، هرگاه کارخانه به سبب اوضاعی که از کنترل کارخانه دار بیرون است تعطیل شود کارگران نصف دستمزد را دریافت خواهند کرد. کارگران بیسواد اجازه داشتند نیم ساعت زودتر کار خود را ترک کنند، تا در کلاسهای مبارزه با بیسوادی که روزانه یکساعت تشکیل می شد حضور یابند». (۳)

در تاریخ ۱۳۲۵/۲/۲۲ اعتصاب سیزده روزه ده هزار کارگر نفت آغاچاری در اعتراض به شرایط سخت کار و کمی دستمزد شروع شد. این اعتصاب خدمتکاران منازل کارمندان انگلیسی را نیز در بر گرفت. خواسته های کارگران: « توزیع بهتر یخ و آب آشامیدنی، اعزام یک یا دو نفر ماما و سایر خدمات بهداشتی، پرداخت ویژه برای مشاغل دشوار» بود.

شورای متحده آبادان با مدیران شرکت انگلیسی نفت موافقت شد: « دستمزد روزهای اعتصاب بطور کامل پرداخت شود و سرپرست انگلیسی به جای اخراج توبیخ شود»، و اعتصاب پایان یافت.

در همین روز قانون کار توسط هیات وزیران مصوب شد. با تصویب این قانون « حداقل دستمزد براساس قیمت های محلی مواد غذایی تعیین شود، استخدام کودکان ممنوع شد، ساعات کار روزانه هشت ساعت مقرر شد، پرداخت حقوق روزهای جمعه و شش روز تعطیل از جمله روز کارگر را اجرایی کند و به اتحادیه ها اجازه تشکل و مذاکره با مدیریت را بدهد». (۱). چهار روز بعد در آذربایجان، حکومت ملی به رهبری پیشه وری یکی از کوشندگان قدیمی جنبش کارگری ایران، اولین قانون کار تصویب شد که: « ۸ ساعت کار در روز، کارگران بی سواد جهت سواد آموزی نیم ساعت زودتر کار خود

حالی که متخصصان خارجی دستمزدهای بسیار زیادی دریافت می‌کنند.» اما شرکت غاصب نفت حضور نمایندگان کارگری را برای خود سرشکستگی می‌دانست، پس از تعهدات خود سرباز زد و در ۳۱ اردیبهشت کارگران آغاچاری شرکت نفت به اعتصاب یازده روزه خود ادامه دادند.

استاندار و پلیس خوزستان که گوش به فرمان اربابان انگلیسی خود بودند در اول خرداد به کارگران اعتصابی نفت آغاچاری توسط پلیس یورش برده و باعث کشته شدن عده‌ای از کارگران زن و مرد کارگر شدند. حمایت کارگران نساجی‌های اصفهان و راهپیمایی کارگران تهرانی و کارگران ساری که حقوق یک روز خود را جهت اعانه به کارگران نفت جنوب اختصاص داده و گفتند: «حاضرند اثاثیه خود را به فروش برسانند و برای کارگران آغاچاری بفرستند» بار دیگر مدیران شرکت نفت را به عقب‌نشینی واداشت.

کارگران اعتصابی نفت جنوب خواستار «رفتار عادلانه با آنها شدند و می‌خواهند کمپانی طبق قرارداد رفتار کند». سه روز بعد کارگران اعتصابی آغاچاری توسط نیروی نظامی محاصره شدند تا آب و غذا به آنان نرسد. بدنبال اعتصاب کارگران نفت آغاچاری، مطبوعات اعلام کردند که تمام ایران چشم به آغاچاری دوخته است. حمایت بی دریغ شورای متحده زحمتکشان ایران و سندیکا‌های کارگری باعث پیروزی شورای متحده خوزستان در این اعتصاب بود. در ۲۹ اردیبهشت پایان اعتصاب کارگران صنعت نفت آغاچاری بدنبال مذاکره با هیات اعزامی دولت اعلام گردید. دولت مجبور شد با نمایندگان شورای متحده خوزستان به مذاکره بنشیند و خواسته‌های کارگران را قبول کند. کارگران اعلام کردند: «به جای اخراج کارگر از حیف و میل عمال خود جلوگیری کنید، هر جا که کارخانه‌ها به مشکلی بر خورد می‌کنند، تقلیل مزد کارگران را پیشنهاد می‌کنند در

کارگران. چنانچه دولت اجازه دهد، شورای متحده قداراست امنیت و دمکراسی خوزستان را تامین نماید.» (۴) آری طبقه کارگر با سازماندهی کارگری خود به آنچنان قدرتی رسیده بود که می توانست امنیت را در نبود پلیس فراهم کند. رهبران شورای متحده زحمتکشانشان ایران نماینده مشکلات کارگران در برابر دولت بودند. برای موارد ضروری پول جمع میکردند. یک شبکه کارآمد آذوقه رسانی به مغازه ها درست کرده بودند. چهل و پنج باشگاه بوجود آورده و توسط گاردهای ویژه کارگری از تاسیسات نفت نگهداری می کردند و با انتقال ۲۵۰۰ داوطلب از آبادان به خرمشهر برای ساختن یک سیل گیر مقامات انگلیسی را تحت تاثیر قرار داده بودند. اوباش گری های عوامل انگلیس هر روز بیشتر اوج می گرفت. در ۳۱ خرداد این تلگراف از طرف اتحادیه کارگران اهواز به نخست وزیر مخابره شد: «۵۰ هزار مسلح عبدالکریم بهبهانی پانزده روز است کارگران

شرکت انگلیسی نفت در ۴ خرداد پذیرفت:» دستمزد دوران اعتصاب پرداخت شود، حداقل دستمزد روزانه به ۳۵ ریال افزایش یابد، شرکت نفت مقررات لایحه قانون کار جدید را رعایت کند.» اما سر سپردگان انگلیسی نمی توانستند بپذیرند که کارگران این چنین قدرتمندانه در برابر غارتگری های آنها ایستاده و آنها را وادار به عقب نشینی کنند. در تلگراف علی امید رهبر شورای متحده خوزستان به نخست وزیر به تاریخ ۱۳۲۵/۳/۱۹ گفته شده که: «رفیق آشوری و مهرباب دبیر اول معشور به تحریک عبدالمحمد بهبهانی توسط حسن منشوری بخشدار شادگان در شهربانی کتک کاری (مرد ضرب و شتم قرار گرفتند)، اگر دولت، مصباح و نوچه هایش را از کار برکنار نکند برادر کشی در خوزستان ترویج خواهد شد. (۴) بازهم در تاریخ ۲۵ خرداد و در نامه مهدی هاشمی نجفی نماینده شورای متحده آبادان به قوام نخست وزیر گفته شد: «اعلام خطر، حمله به کوی

نفت خوزستان، این تلگراف به نخست وزیر از طرف شورای متحده خوزستان به رهبری غلامعلی مرادی مخابره شد: «در رابطه با دستگیری علی امید توسط سرهنگ افشاراوغلو و تهدید به اعتصاب همگانی می‌کنیم». (۴)

با برگزاری سومین جلسه نمایندگان شورای متحده و نمایندگان شرکت انگلیسی نفت در ۲۰ تیرماه برای تعیین حداقل دستمزد کارگران، با لغو وعده شرکت نفت در رابطه با پرداخت دستمزد روزهای جمعه و دستگیری رهبران کارگری که به مذاکره دعوت شده بودند، اعتراضات کارگری ابعاد دیگری یافت و بزرگترین اعتصاب در خاورمیانه شکل گرفت. در ۱۳۲۵/۴/۲۳ با اعلام شورای متحده مرکزی زحمتکشان خوزستان اعتصاب عمومی در مناطق نفت خیز خوزستان بر علیه زورگویی های شرکت نفت انگلیسی آغاز شد. ۶۵ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کردند که این بزرگترین اعتصاب در

بندر معشور را محاصره کرده اند «.(۴)

کارگران و شورای متحده که رهبرانش هر روز مورد بازجویی، اخراج و دستگیری و ضرب و شتم قرار می‌گرفتند در ۱۱ تیرماه، اعتصاب ۶ هزار کارگر نفت آبادان علیه دولت انگلیس و شرکت انگلیسی نفت را پی ریختند. خواسته های کارگران آبادان از شرکت انگلیسی نفت: «پرداخت دستمزد روزهای جمعه، گماردن نمایندگان کارگران در کارگاه ها برای حل و فصل اختلافات میان کارگران و شرکت، افزایش سالانه دستمزدها، وسایل نقلیه برای کارگرانی که ناگزیرند از خانه هایشان تا محل کار چندین کیلومتر پیاده روی کنند» بود. هرچند در روز اول اعتصاب شرکت انگلیسی نفت از مذاکره با شورای متحده آبادان امتناع ورزید اما مجبور شد در ۱۶ تیرماه به ملاقات رهبران شورای متحده خوزستان حاضر شود. فردای روز مذاکره با دستگیری علی امید رهبر کارگران

پیروزی کارگران و شورای متحده را حتمی می دانستند ، در نیمه های شب با حمله ۲۰۰ نفر از عشایر عرب به همراه سربازان با هفت تیر و تفنگ به گاردهای انتظامی شورای متحده که مسلح به چوبدستی بودند و از صنایع نفت حفاظت می کردند، حمله مر شدند. در این حمله از طرفین ۵۰ نفر کشته و ۱۶۵ نفر زخمی شدند. (۱) فردای روز حمله، رهبران شورای متحده آبادان نجفی، متقی، وفایی، تربیت، کبیری به عنوان اقدامی آستی جویانه سلاح های آتش زایی که از اعراب مهاجم گرفته بودند به دفتر فرماندار نظامی تحویل دادند و بلافاصله توسط ارتش بازداشت شدند. (۱) این اعتصاب چنان منافع کشورهای امپریالیستی انگلیس و آمریکا را تهدید می کرد و باعث بالندگی و ارتقا سطح جنبش کارگری شده بود که مجبور شدند کمیته تحقیقی را برای بررسی حوادث به آبادان بفرستند. در ۲۵ تیرماه کمیته تحقیق به سرپرستی مظفر فیروز وزیر کار، دکتر رضا رادمنش دبیرکل حزب

خاورمیانه شمرده میشد . این اعتصاب شامل ۵۰ هزار کارگر و کارمند دفتری شرکت نفت، ۲۰۰ تکنسین هندی در پالایشگاه آبادان، هزار آتش نشان ، راننده کامیون، رفتگر، کارگر راه آهن، کارگر نساجی، دانش آموز دبیرستان ، صدها مغازه دار، آشپز، راننده و حتا مستخدمان خانواده های اروپایی را نیز در بر گرفت. (۱) اعتصاب در ساعت ۶ بامداد در آبادان تحت رهبری شورای متحده آغاز شد. ترات سر کنسول انگلستان اقرار کرد: «اعتصاب بطرز شگفت آوری خوب سازمان یافته و منظم بود. هنگامی که کارگران دست از کار کشیدند، نزدیک به هزار تن از آنان به توزیع جزوه هایی پرداختند که علل اعتصاب را به اختصار توضیح می داد » (۶) آری سازماندهی کارگری چشمان ماموران انگلیسی را خیره کرده بود و آنان انتظار چنین نظم و انضباطی را از کارگرانی که حقیر می شمردند را نداشتند. انگلیسی ها و دولت مزدور محمدرضا شاه پهلوی که

نمایندگان شورای متحده و حزب توده ایران به عنوان سازمانگران و مدافعان منافع ملی و طبقه کارگر در مذاکرات رو در روی امپریالیست ها و هیات حاکمه مزدور نشستند و منافع ملی و خواسته های طبقه کارگر را بر آنان تحمیل کردند. این حرکت و حرکت های دیگر کارگری باعث ملی شدن نفت و کوتاه شدن دست غارتگران از ثروت کارگران در سال ۱۳۳۰ شد. طبقه کارگر که با مبارزات خود در اتحادیه های کارگری آزموده شده بود در سطحی بالاتر در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ به حمایت از دکتر مصدق نخست وزیر قانونی پرداخت و نقشه شوم شاه و انگلیس برای نابودی دستاوردهای کارگری را عقیم گذاشت. هیات حاکمه و امپریالیسم آمریکا و انگلیس نه با شاه ترسو بلکه با طبقه کارگر مقتدر ایران رودر رو شدند. شاه و انگلیس و نوکران حلقه بگوششان در صحنه سیاسی ایران با رقیبی سازمان دهی شده و آگاه سینه به سینه ایستادند. دیگر در هر اختلاف

توده ایران، دکتر حسین جودت از اعضای رهبری شورای متحده زحمتکشان ایران برای بررسی اعتصاب وارد خوزستان شدند. در اولین اقدام دستور آزادی رهبران اعتصابی نجفی، متقی، وفایی، تربیت، کبیری از زندان را دادند و آنان را به میز مذاکره فرخواندند. رهبران اعتصابی به خواسته های خود این مورد را هم در مذاکره اضافه کردند: «برکناری سرهنگ انگلیسی آندروود و معاونش، مصباح فاطمی استاندار خوزستان، فاتح فرماندار نظامی، نادعلی رییس شهربانی که نجفی همه آنان را نوکران انگلستان نامید»، بودند. برای جاری شدن نفت، خواسته های کارگران پذیرفته شد و امپریالیسم انگلیس برای اولین بار تسلیم خواسته های کارگران شد. انگلیس و هیات حاکمه ایران، طبقه کارگر سازماندهی شده (شورای متحده مرکزی زحمتکشان) را در برابر غارتگری هایش مصمم و استوار دید. برای اولین بار موضوع حراست از منافع ملی از طرف طبقه کارگر مطرح شد و

تلاشگران قدیمی و رهبران اعتصاب ۱۳۰۸ شرکت نفت در زمان رضاشاه قلدرد، و زندانی شدن در آبادان. دستگیری ۲۵ تن از رهبران شورای متحده در کارخانه های استان مازندران. دستگیری عزت اله دسی پور سازمان دهنده باربران آبادان، مکی و ربیعی از خرمشهر و محمد کاوه از آبادان.

اما آنچه نازودونی بود محبوبیت و آگاهی طبقه کارگر ایران در برابر اجحافات محمدرضاشاه پهلوی نوکر حلقه بگوش انگلیس و آمریکا بود. رودخانه آگاهی در مغز و روح زحمتکشان جاری و با آنان گسترش می یافت. آوازه مبارزات طبقه کارگرایران به رهبری شورای متحده زحمتکشان ایران جهانی شده بود.

مسافرت لویی سایان دبیر فدراسیون جهانی کارگران به ایران به منظور تحقیق درباره وضع سندیکا‌های ایران در ۲۵ مرداد بعد از یکماه از اعتصاب بزرگ اتفاق افتاد. در ششم مهرماه

کارگری این شورای متحده و رهبران کارآزموده اش بود که در مقابل کارفرمایان می نشستند و از منافع کارگران دفاع می کردند. البته استعمار حيله گر انگلیس و مزدوران شاهنشاهی اش بیکار ننشسته و رهبران کارگری را به دلایل واهی از خوزستان و سراسر ایران اخراج کردند. بعد از ۲۳ تیر در خوزستان مقامات استان ۱۲۰ فعال کارگری را تبعید کرده، شرکت نفت ۸۱۳ نفر از رهبران اعتصاب را اخراج کرد و ۱۰۰ نفر از کارگران را به دلیل فعالیت اتحادیه ای که دستگیر شده بودند به علت غیبت بدون مرخصی بیکار کرد. (۱)

دستگیری و تبعید حفیظ اله کیانی رهبر سرشناس شورای متحده آغاچاری به تهران. دستگیری نجفی و غلامرضا مرادی. نجفی را دستبند زده با کامیون شرکت انگلیسی نفت از آبادان بیرون بردند و پس از مدتی بازداشت در اهواز، به تهران تبعید شد. دستگیری رمضان کاوه از

کفاشان، اصناف، داروسازها، قناد و روزنامه فروش. وازسوی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری به عنوان تنها سازمان اصیل کارگری در ایران شناخته می شد. (۱) هرچند رهبران کارآموده از خوزستان اخراج شدند ولی کادرهای آموزش دیده شورای متحده جای آنان را گرفته و حملات خود را بر علیه ارتجاع و هیات حاکمه فاسد و امپریالیسم انگیس را پی گرفتند.

۲۳ مهر تلگرافی از طرف شورای متحده آبادان توسط پیروز رام به نخست وزیر زده شد: «آزادی تشکیلات در خوزستان، آزادی زندانیان و تبعیدی ها و اعزام آنان به خوزستان، محاکمه مسبین ۲۳ تیر ماه، قلع و قمع اشرار فارس، الغای حکومت نظامی، تعیین فوری حداقل دستمزد. در عدم صورت، فرمان اعتصاب عمومی در سرتاسر خوزستان صادر خواهد شد. (۵) و آغاز فعالیت مخفی شورای متحده خوزستان. در یکی از جلسات مخفی شورای متحده کل

پیوستن چهار اتحادیه کارمندی به شورای متحده توان طبقه کارگر را دو چندان کرد: سندیکای مهندسان و تکنسینها، اتحادیه معلمان و کارکنان آموزشی، کانون وکلا، انجمن پزشکان و دامپزشکان و اتحادیه کارکنان شرکت نفت. (۱) در این سال شورای متحده ۱۸۶ اتحادیه و ۳۳۵ هزار عضو داشت که شامل مزدگیران بخش صنعتی مانند: اتحادیه کارگران نفت، کارگران نساجی، کارگران راه آهن و دخانیات. مزدگیران ماهر جدید: اتحادیه چاپخانه ها، مکانیک های اتومبیل و رانندگان، پیشه وران سنتی ماهر مشخص اتحادیه قالبیافان. مزدگیران غیرماهر: اتحادیه کارگران ساختمانی، رفتگران شهرداری، نقاشان ساختمان. شاغلان بخش خدمات: اتحادیه پیش خدمت های رستوران ها، لباس شویی ها، کنترل چی سینماها، سندیکای مهندسان و تکنسین ها، جامعه حقوق دانها، اتحادیه معلمان و کارمندان آموزش و پرورش، اتحادیه خیاطان، درودگران و

در اتحادیه های کارگری متشکل اند، نامزدهای انتخاباتی کارگران تبعید شده اند و تحت نظر قرار دارند». (۱) آری هیات حاکمه از محبوبیت علی امید، متقی، نجفی، رحیم همداد، کاوه رهبران محبوب ۷۰ هزار کارگر و خانواده هایشان می ترسید و برای اینکه آنان بازهم موجب اعتصاب نشوند و از صندوق های رای به مجلس راه پیدا نکنند، آنان را از خوزستان بیرون کرد. رژیم پهلوی برای شکست دادن روند قدرتمندی طبقه کارگر با همدستی آمریکا و انگلیس برضد منافع ملی و غارت هرچه بیشتر ثروت ایران با آیینان همدست شد و به نوکری خود از کودتای ۲۸ مرداد تا ۵۷ هنوز هم در شبکه های ماهواره ای افتخار می کنند. این نوکران سرمایه داری ما را عده ای بی سروپا، خس و خاشاک و مزدور و خائن می نامند که بر علیه غارتگری شان به پاخاسته ایم. ما نخواهیم گذاشت ثروت کشورمان بازیچه دست عده ای نوکر سرمایه داری به یغما برود، ما از منافع ملی امان که

فرج یکی از کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس چنین گفت: «رفقا، ما تنها حقوق حقه خود را می خواهیم تا شاید در وضع بهتری زندگی کنیم. کارگران در هر کشوری از جهان برای افزایش دستمزد فریاد میکشند آنان نه به منظور شرارت یا آشوب بلکه از روی حقیقتی فریاد میکشند... شرکت بجای درمان زخم ما بر آن نمک می پاشد. با این همه آنان بهتر است به خاطر بسپارند که ما نیز در انتظار زمان مناسبی هستیم و آنگاه انتقام خود را جزء به جزء از آنان خواهیم گرفت. (۱) در ۱۵ آبان رضا روستا دبیر شورای متحده به کنگره اتحادیه کارگری انگلیس چنین تلگراف کرد: «این محافل یعنی دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان به پشت گرمی حضور سربازان انگلستان در بصره و نقطه دیگری از عراق برای پیروزی در انتخابات مجلس قانون گذاری آینده، آخرین بقایای آزادی کارگران را از میان برداشته اند. در خوزستان که ۹۸ درصد از جمعیت کارگری

بینند. حرکت تاریخ را می شود کند کرد اما نمی توان به عقب برگرداند. آگاهی و عشق به آزادی ، عدالت اجتماعی و بهبودی زندگی زحمتکشان را نمی شود کشت و یا زندانی کرد.

مازیار گیلانی نژاد

۱۸ تیر ماه ۱۳۹۴

منابع:

۱ - ایران بین ۲ انقلاب ، پرواند آبراهامیان

۲ - تاریخچه نهضت کارگری در ایران ، شکراله مانی

۳ - اتحادیه های کارگری و خودکامگی ، حبیب لاجوردی

۴ - از وانا تا وین ، عزت اله باقری

۵ - اسنادی از اتحادیه های کارگری، به کوشش محمود طاهرزاده

همان منافع کارگرمیان است دفاع و حراست خواهیم کرد. ما نخواهیم گذاشت نان فرزندانمان به دست عده ای انگل که کاری جز دلالی برای سرمایه داری بین المللی ندارند ، دزدیده شوند. بیش از یکصد سال است که ما را به نام جاسوس، خائن ، نوکر اجنبی، برهم زننده نظم و امنیت اخراج ، زندانی و در نهایت می کشند اما چه باک ما دست از تلاش خود برای میهنی آباد و مستقل و کارگری برنخواهیم داشت. امروز تاریخ در مورد رضاخان، محمدرضا پهلوی، قوام السلطنه، فاتح ،مصطفی فاطمی سرکردگان شرکت استعماری نفت انگلیس قضاوتش را کرده و از آنان به مثابه شریترین وطن فروشان نام می برد و بر مزار علی امید، رضا روستا، گل می نهد. این عقب مانده های فکری که کشورشان در چمدان ها و حساب های بانکی ایشان است هنوز هم در ماهوراه ها و رسانه های داخلی با همکاری موسی غنی نژادها خواب نابودی علی امید های امروزی را می

با فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری آشنا شویم (۱)

کار (آی ال او) بوده و نقش اساسی در برگزاری کنگره ۸۷ داشته است. فدراسیون دارای کرسی نمایندگی دائمی در سازمان ملل متحد در نیویورک، سازمان ملل و بار سازمان ملل در رم و سازمان یونسکو در پاریس است.

فدراسیون ادامه دهنده راه جنبش سندیکایی طبقاتی و مبارزات آنان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم و برای یک جامعه عاری از استثمار انسان از انسان محسوب می‌گردد.

هم‌اکنون فدراسیون دارای ۹۰ میلیون کارگر عضو از ۱۲۶ کشور جهان است.

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۳ دفتر مرکزی فدراسیون در پاریس فرانسه بود؛ در سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶، در وین اطریش بود؛ از ۱۹۵۶ تا ۲۰۰۵ در شهر پراگ، چکواسلوواکی بود؛ از ژانویه ۲۰۰۶ تا به امروز در آتن یونان مستقر گردیده است.

طبقه کارگر و جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران از دیرباز بخش جدائی‌ناپذیر فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری بوده‌اند. اتحاد کارگر، بولتن ماهیانه کمیته روابط سندیکایی ایران به منظور آشنا ساختن سندیکالیست‌ها و نسل نو کارگران ایران با تاریخچه، اصول، مواضع و عملکرد فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری طی دو شماره به معرفی این تشکل بین‌المللی پرداخته و اصول بنیادین آنرا در اختیار مبارزان، فعالان سندیکایی قرار می‌دهد. اینک در ادامه آموزش‌های سندیکایی، خلاصه‌ای از اساسنامه فدراسیون را به خوانندگان ارائه می‌کند.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری چه می‌گوید

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در سوم اکتبر ۱۹۴۵ در پاریس پایه‌گذاری گردید. فدراسیون قدیمی‌ترین سازمان بین‌المللی سندیکاها به شمار می‌آید و دارای کرسی مشاوره در سازمان جهانی

اصول بنیادی فدراسیون

داشتن عملکرد دموکراتیک-
برگزاری انتخابات برای تمامی
ارگان‌ها و در همه سطوح؛

داشتن سازمان انترنایونالیستی،
همبستگی بین‌المللی و انترناسیونا
لیست بودن؛ مبارزه برای صلح و
دوستی بین توده‌های مردم - علیه
امپریالیسم و جنگ،

دفاع از حقوق تمامی آحاد مردم و
زحمتکشانی که می‌خواهند برای
حال و آینده خودشان تصمیم
بگیرند؛

منابع طبیعی هر کشوری به
مردمان و زحمتکشان آن کشور
تعلق دارد. فدراسیون مخالف
خصوصی سازی است؛

اتحاد کارگران و زحمتکشان و
متحدان اجتماعی‌شان، یعنی
کشاورزان فقیر، خود کارفرماها و
روشنفکران و مردمان بومی؛

نقش دادن به جوانان و زنان و
کارگران مهاجر در زندگی و در

فدراسیون دارای دفاتر منطقه‌ای و
زیر منطقه‌ای و همچنین دارای
اتحادیه‌های بین‌المللی (TUI's)
- یو - آی‌ها) در تمامی حرفه‌های
مهم و اساسی است.

در طول این مدت، فدراسیون در
مبارزات علیه نژادپرستی، تبعیض
نژادی، مبارزات علیه استعمار،
علیه سیاست‌های تجاوزگرانه
آمریکا، ناتو، اسرائیل و متحدان‌شان،
علیه بربریت سرمایه‌داری نقش
محوری داشته است. همیشه در
خط مقدم دفاع از حقوق کارگران
و اتحادیه‌ها بوده است.

اقدامات پیگیرانه و خستگی ناپذیر
دفاتر مرکزی، مناطق و حرف
مختلف، هدف خود را متحد نمودن
نیروهای زحمتکشان در مبارزات
طبقه‌ای‌شان و بدون در نظر گرفتن
طرز تفکر، مذهب، زبان، جنسیت،
و در نهایت متحد نمودن توده‌های
محروم علیه استثمار سرمایه و
امپریالیسم قرار داده است.

از حق اعتصاب و تشکیل سندیکا دفاع می‌کند؛ مخالف حرفه‌گرایی، نخبه‌گرایی، اداره بازی، باندبازی است؛

فدراسیون سمینارهای آموزش های سندیکایی را برگزار می‌نماید.

فدراسیون دارای نمایندگی دائم در سازمان‌های اصلی بین‌المللی است. در درون این سازمان‌ها مبارزه را ادامه داده و همیشه از حقوق زحمتکشان دفاع و باندبازی‌های درون این سازمان‌ها را افشا می‌کند.

فدراسیون شانزدهمین کنگره جهانی سندیکا‌های جهانی را در آتن، یونان از ۶ تا ۱۰ آوریل ۲۰۱۱ با شرکت ۸۲۸ نماینده از ۱۰۱ کشور جهان، که تصمیمات مهمی را در صحن کنگره که با رای اکثریت و نیز بیانگر خواست‌های امروزین کارگران بود، اتخاذ نمودند.

کنگره شورای رهبری جدید را با رای مخفی انتخاب نمود.

مدیریت سندیکاها؛ اولویت دادن به مسائل بهداشت و ایمنی، کیفیت زندگی و محیط زیست کارگران؛

ترویج مبارزه علیه شرکت‌های چند ملیتی و گسترش هماهنگی و همبستگی بین‌المللی زحمتکشان؛

دفاع از حقوق همه زحمتکشان در داشتن حق بهداشت، تحصیل و امنیت اجتماعی همگانی. مبارزه برای بهبود دائمی استانداردهای زندگی، دستمزد، بازنشستگی با توجه به پیشرفت دستاوردهای علمی فنی؛

فدراسیون بعنوان یک سازمان طبقاتی سندیکایی امر انتقاد و انتقاد از خود، داشتن روابط رفیقانه بین اعضا و رهبری راتقویت می‌نماید؛

برای اتحادیه‌ها و آزادی مبارزه می‌کند. مخالف تضييع حقوق سندیکایی توسط دولت‌ها، مخالف دیکتاتوری و تعقیب فعالین سندیکایی بوده و است. مخالف نئو- فاشیست‌ها و نژادپرستان نیز است؛

وی پس از کسب مدرک دکتری در مرکز ژنتیک استونی مشغول به کار شده و در حال حاضر ریاست آن را بر عهده دارد.

این پژوهشگر جوان ایرانی تاکنون ۱۶۹ مقاله چاپ‌شده در زمینه‌های ژنومیک انسانی، فارماکوژنومیک و اپیژنتیک را در کارنامه کاری خود دارد.

وی طی دو سال گذشته، بیش از ۲۰ مقاله چاپ‌شده در مجلاتی مانند Genome Research, Nature, Science, Nature Genetics, BMC Genomics داشته است.

« با درود به همه هموطنانی که در راه اعتلای دانش و بلند آوازه نمودن ایران تلاش می‌کنند»

تحریریه پیام سندیکا

جایزه دانشمند جوان برتر استونی به یک محقق زن ایرانی رسید!



پژوهشگر جوان ایرانی در زمینه علوم ژنتیک موفق به دریافت جایزه برترین دانشمند جوان از رییس‌جمهور لتونی شد.

به گزارش سرویس علمی ایسنا، دکتر لیلی میلانی، پژوهشگر برتر دانشگاه تارتو، فوق‌لیسانس خود را از دانشگاه تارتو دریافت کرده و در سال ۲۰۰۹ موفق به اخذ دکترای خود از دانشگاه اویسالا شده است.

کاهش زیان مردم سیل‌زده روستا با هوشمندی دهیار زن

این مسوول روستایی با درایت چند ماه قبل اقدام به بیمه همهی منازل مسکونی این روستا تا سقف ۵۰ میلیون تومان کرده بود. این موضوع اکنون سبب شده تا زیان‌های ناشی از سیل برای مردم این روستا به طور قابل توجهی دستکم در بخش مالی کاهش یابد.

خانم طباطبایی روز چهارشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، گفت که با توجه به حادثه خیز بودن منطقه به نظر می‌رسید که بیمه کردن منازل مسکونی اطمینان خاطر برای مردم روستا به وجود آورد و بر این اساس با کمترین پرداختی سالانه اقدام به بیمه همه منازل مسکونی این روستا شد.

وی تصریح کرد: منازل مسکونی روستاییان با پرداخت سالیانه ۱۵ هزار تومان برای هر خانه، تا سقف ۵۰ میلیون تومان بیمه شد و امروز بیمه این مبلغ را به هر خانه روستایی پرداخت می‌کند.

نحوه عملکرد دهیار روستای سیل زده سیجان می‌تواند به عنوان



آینده‌نگری و خوشفکری دهیار روستای سیل زده در جاده چالوس با بیمه خانه‌های روستا، امروز به‌کار آمد. خانم معصومه طباطبایی دهیار روستای سیجان در جاده چالوس که در سیل اخیر خسارات سنگین جانی و مالی را متحمل شد، زیان مردم این روستا را به طور قابل توجهی کاهش داد.

تا کنون ۸ نفر از اهالی این روستا در اثر سیل جان خود را از دست داده اند و تعدادی نیز مفقود هستند و بیش نیمی از منازل مسکونی این روستا در اثر سیل از ۱۰ تا ۱۰۰ درصد آسیب دیده اند.

خانم طباطبایی نشان داد که زنان در عرصه مدیریت می توانند همپای مردان و حتی بهتر از آنان بکوشند.

درد بر چنین زنان هوشمند و مدبری.

الگویی برای دیگر روستاها و شهرها به ویژه در استان حادثه خیز البرز باشد تا از این طریق زیان های ناشی از حوادث طبیعی را به حداقل کاهش دهند.

خانم طباطبایی با تاکید بر اینکه روستاییان هنوز با مشکلات بسیاری مواجه هستند و امداد رسانی ها نیز ادامه دارد، گفت: روستاها هنوز هم از بحران خارج نشده و مسایل و مشکلات مردم باقی است. برخی از اهالی روستا حتی نمی دانستند که خانه هایشان بیمه است و بسیار نگران خسارات وارد به خانه هایشان بودند که با شنیدن اینکه بیمه خسارات آنها را پرداخت می کند، تا حدودی نگرانی آنها برطرف شد.

بارش باران و جاری شدن سیل در استان البرز در عصر یکشنبه گذشته خساراتی در مناطق مختلف البرز به بار آورد که روستای سیجان در ارتفاعات جاده چالوس بیش از دیگر مناطق از این سیل آسیب دید.

کودکانی که فروخته می‌شوند؛ از ۴۰۰ هزار تومان تا هشت میلیون

تنها داعش نیست که کودکانش را می‌فروشد؛ تهران، ساری، آمل و دهها شهر دیگر که هنوز کسی از آنها خبر ندارد، شاهد فروش کودکان هستند. قیمت: از ۴۰۰ هزار تومانی که به مادر و پدر می‌رسد تا هفت هشت میلیونی که جیب دلال را پر می‌کند.

سال گذشته اعلام قانون داعش در خصوص تعیین نرخ فروش زنان و دختران ایزدی و مسیحی، موجب نگرانی جامعه جهانی، علمای دینی و سازمان‌های غیر دولتی و مدافع حقوق زنان شد و این اقدام را اقدامی غیرانسانی دانستند. بر اساس بیانیه داعش اعلام شده است، دسته بیت المال- دارایی مقرر کرد قیمت فروش این زنان و دختران اعلام شود تا هر کسی مطابق این قانون خریده‌ها را انجام دهد و متخلفین نیز به دار آویخته می‌شوند.

قیمت‌های فروش انسان توسط داعش کمی با فروش کودکان در کشورمان متفاوت است:

زن میانسال ۳۰ تا ۴۰ سال (ایزدی و مسیحی): ۷۵ هزار دینار

زن جوان ۲۰ تا ۳۰ سال (ایزدی و مسیحی): ۱۰۰ هزار دینار

دختر به سن تکلیف رسیده ۱۰ تا ۲۰ سال (ایزدی و مسیحی): ۱۵۰ هزار دینار

زن مسن ۴۰ تا ۵۰ سال (ایزدی و مسیحی): ۵۰ هزار دینار

کودک یک تا ۹ سال (ایزدی و مسیحی): ۲۰۰ هزار دینار

بهمن ماه سال ۱۳۹۲ بود که روزنامه اعتماد گزارشی تکان‌دهنده از خرید و فروش کودکان در محله دروازه غار تهران منتشر کرد. "از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان"، قیمت کودکانی است که بنابر این گزارش در دروازه غار خرید و فروش می‌شوند.

همه روز روزه بودن، همه شب
نماز کردن

همه ساله حج نمودن، سفر حجاز
کردن

ز مدینه تا به کعبه، سر و پا برهنه
رفتن

دولب از برای لیبیک، به وظیفه
بازکردن

به مساجد و معابد، همه اعتکاف
جستن

ز ملاهی و مناهی، همه احتراز
کردن

شب جمعه ها نخفتن، به خدا راز
گفتن

ز وجود بی نیازش؛ طلب نیاز
کردن

به خدا که هیچ کس را، ثمر آنقدر
نباشد

که به روی نا امیدی، در بسته باز
کردن

شیخ بهایی

روزنامه شهروند نیز همین امروز
چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت
۱۳۹۴ گزارشی منتشر کرده از
خرید و فروش کودکان در آمل و
ساری.



در سیستم سرمایه داری هرچیزی
کالایی است که می تواند به پول
تبدیل شده و سود خوبی برای
فروشنده اش داشته باشد. این کالا
می تواند ویلا، مواد مخدر، بمب،
خبر، سکس، کودکان، نیروی کار
کارگران و سیب زمینی باشد.

بادوام و استوار مبارزه کنونی در راه احیای حقوق سندیکایی و علیه سیاست‌های ضد کارگری سرمایه داری است. اتحاد کارگر بولتن ماهیانه کمیته روابط سندیکایی ایران، به معرفی یکی از پیشکسوتان گرانقدر جنبش سندیکایی و از رهبران مجرب و توانای سندیکا های کارگری صنوف، کارگر سندیکالیست پُرشور، رفیق فقید **حسین سمنانی** که سالیان طولانی از رهبران و از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه بود، مبادرت می‌کند.

حسین سمنانی از رهبران نامدار سندیکاهای کارگری صنوف

کارگران شاغل در صنوف و سندیکاهای آنان همواره نقش برجسته و پُررنگی در تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی ایران ایفا کرده‌اند. در دوره نخست (تکامل) جنبش سندیکایی زحمتکشان، سندیکا های صنوف مانند، سندیکاهای کارگران چاپخانه‌های تهران، سندیکای کارگران بافنده تبریز، سندیکای باربران انزلی و سندیکا های کارگری صنف‌های خیاط، کفاش، نجار و بنا و بافندگان در تشکیل مرکز واحد سندیکایی ابتدا

کوشندگان تابه آخر استوار

حسین سمنانی از رهبران نامدار سندیکاهای کارگری صنوف



تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما، مملو از فداکاری مبارزان و انقلابیون شریفی است که تمام هستی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع کارگران و بهبود زندگی آنان کرده‌اند. فعالیت پر ثمر سندیکایی، رعایت اصول و قواعد کار صنفی - سندیکایی و تاکید بر محتوا و سمت گیری طبقاتی تشکل‌های سندیکایی توسط این رزمندگان خستگی ناپذیر راه سعادت زحمتکشان، شالوده‌های

بررسی اوضاع جنبش کارگری و سندیکایی ایران در سال ۱۳۲۵ وارد تهران شد، مسؤلان سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه از زمره رهبران شورای متحده مرکزی بودند که از او استقبال و با وی دیدار و گفتگو کردند. رفیق حسین سمنانی در این دوران به عنوان کارگر جوان کفاش از اعضای بسیار فعال سندیکا بود.

رفیق حسین سمنانی در سال ۱۳۲۲ به صفوف طبقه کارگر ایران پیوست و از همان سال کار پیگیرانه سندیکایی را در چارچوب سندیکاهای عضو شورای متحده مرکزی با دقت و علاقه ادامه می‌داد. در همان جوانی به عضویت و دبیری سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه برگزیده شد. سخت مورد اعتماد کارگران صنف کفاش بود. او به مثابه یک کارگر آگاه و فداکار، مروج سنت‌ها و اصول طبقاتی سندیکایی بود و نقش بسیار ارزنده‌ای در فعالیت‌های سندیکایی کارگران کفاش بر عهده داشت.

در سال ۱۳۳۱ پیش از کودتای ۲۸ مرداد، به ابتکار او و یارانش محدوده و حیطه فعالیت سندیکای کارگران کفاش بسیار گسترده و

در شهر تهران به نام اتحادیه مرکزی کل کارگران و سپس در سطح کشور تحت نام شورای مرکزی اتحادیه‌های، نقش بسیار جدی و موثر داشتند. با سقوط رضاخان و آغاز "دوران رشد شکوفان جنبش سندیکایی در سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰"، بازم سندیکاهای صنوف در تشکیل و تقویت شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران بصورت فعال و تاثیر گذار نقش ایفا کردند.

نباید فراموش کنیم پس از پیروزی انقلاب بهمین نیز سندیکاهای صنوف در احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان و تشکیل انجمن همبستگی سندیکاهای و شوراهای کارگری تهران و حومه فعالانه حضور و در تقویت این تشکل نقش بارزی بر دوش داشتند.

در سال‌های دهه بیست سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه فعالیت گسترده‌ای داشت و از اعضای شورای متحده مرکزی به شمار می‌آمد. هنگامیکه لویی سایان دبیر کل وقت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری برای دیدار با رهبران شورای متحده مرکزی و

پس از سرکوب‌های خونین در سال ۱۳۳۶ رژیم شاه اعلام کرد، سندیکا‌های کارگری باید رسماً ثبت شده و از این طریق اجازه فعالیت بگیرند. سازمان‌های امنیتی و بویژه ساواک در پی کنترل و مهار سندیکاها بودند و برنامه‌ای دقیق در این زمینه وجود داشت. سندیکای کارگران کفاش تهران توسط اعضای قدیمی خود به دنبال دوره‌ای سرکوب از اواخر دهه سی خورشیدی مجدداً به فعالیت پرداخت. در این دوره حسین سمنانی از سوی ساواک اجازه انتخاب شدن به عنوان دبیر سندیکا را نداشت و همواره تا پیروزی انقلاب از انتخاب او به عنوان دبیر سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه جلوگیری شد.

طی سال‌های دهه چهل و پنجاه خورشیدی رفیق حسین سمنانی نقش بارزی در فعالیت‌های سندیکایی و روشن نگه داشتن شعله مبارزه سندیکایی اصیل با محتوی طبقاتی داشت. در این سال‌ها همراه رفقا مظاهری، عزت الله زارع و محمدعلی طبرسی خدمات انکارناپذیری به جنبش سندیکایی زحمتکشان کرد. او در دهه پنجاه و شصت و تا پیش از مرگش در سال

نفوذ آن در تهران و حومه افزایش چشمگیر داشت. با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، سرکوب‌ها آغاز شد. سندیکای کارگران کفاش تهران از جمله هدف‌های اصلی یورش ماموران فرمانداری نظامی و گزمگان شاه آمریکایی بود. اغلب اعضای هیات مدیره این سندیکا و در رأس همه رفیق حسین سمنانی بازداشت و روانه شکنجه‌گاه شدند. اعضای باقی مانده سندیکا در ۱۴ تیر ماه سال ۱۳۳۳ با تشکیل کمیته‌ای ۹ نفره، یک اعتصاب بزرگ و گسترده در مقیاس شهر تهران را سازمان دادند. کارگاه‌های کفاشی و به دنبال آن تعمیرگاه‌های کفش تهران خصوصاً در مناطق راه آهن و بازار کفاشان بطور کامل و یکپارچه تعطیل شد. کودتاچیان با یورش به کارگران اعتصابی تعداد زیادی را بازداشت کرده و فعالیت سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه را متوقف ساختند. خواست‌های این اعتصاب عبارت بود از اجرای تعطیلات جمعه و حق بیمه اجتماعی و آزادی بی‌قید و شرط اعضای دستگیر شده هیات مدیره سندیکا خصوصاً حسین سمنانی!

و آشنایی با موازین کار سندیکایی مطابق آموزش‌های فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری برای نسل جوان کارگران ایران و فعالین هیات مؤسسان سندیکا‌های کارگری در این سال‌ها از اقدام‌های به یاد ماندنی و بسیار ارزشمند کارگر قهرمان حسین سمنانی است.

رفیق حسین سمنانی این رهبر برجسته و ارجمند تاریخ سندیکا‌های کارگری صنوف در سال ۱۳۸۲ چشم از جهان فرو بست. نام، راه، آرمان و خاطره او در دل تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی ایران با احترام ثبت و حک شده است.

بر گرفته از اتحاد کارگر بولتن ماهیانه کمیته روابط سندیکایی ایران

۱۳۸۲، از مجرب‌ترین و مسلط‌ترین سندیکالیست‌های وقت کشور ما بود. او به حق همراه با رفیق محمدعلی طبرسی از رهبران خوشنام و مورد اعتماد سندیکا‌های کارگری صنوف بودند.

نقش او و هم‌زمانش در اعتصاب‌های بزرگ سال ۵۷ و سرنگون ساختن سلطنت ننگین پهلوی فراموش نشدنی است. حسین سمنانی پس از انقلاب نقش بسیار برجسته در فعالیت‌های سندیکایی، انتشار روزنامه اتحاد و حمایت و تقویت انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و حومه داشت. با سرکوب سندیکا‌های کارگری در دهه شصت بار دیگر رفیق حسین سمنانی مورد پیگرد قرار گرفت. سر بلند و استوار از آزمون تاریخ بیرون آمد. او کارگری شرافتمند و نمونه‌ای از یک کارگر پیشرو و آگاه در تاریخ جنبش کارگری ایران است.

در سال‌های دهه هفتاد، رفیق حسین سمنانی با تسلط و تجربیات غنی خود در فعالیت سندیکایی، از مبتکران و کوشندگان هیات مؤسسان سندیکا‌های کارگری بود. تهیه و تدوین آموزش‌های سندیکایی

کارگر

راحت مخلوق توام، شد شعار
با شکم گشنه تن ناتوان
رنج کشیدم به یکی لقمه نان
در دل کان ها و لب کوره ها
سنگ شد از زحمت من پُر بها
این همه زیبایی و نعمت که هست
گر که تو را کار به عدل و صفاست
از چه مرا نام چنین کم بهاست

گفت خداوند : که ای کارگر
دست منی بر همه القاب سر
نام « یداله » سزاوار تست
چونکه جهان در خم پرگار تست
جمله نعم ها که در این عالم است
حاصل کار تو بنی آدم است
شیخ و شه و تاجر و سرمایه دار
جمله رهین تو ، ز تو جیره خوار
برتری از جمله خلق جهان
کارگری مایه فخر جهان

کارگری نام تو بس پُر بهاست
نام تو هم سنگ به نام خداست

محمدحسین خوان یغما
کارگرفلزار

کارگر غمزده و دلفکار
کرد گله پیش خداوندگار
گفت : خدایا کنمت بی شمار
شکر نعم های فزون از شمار
گر به یک از صد نرسد دست من
لیک کنم شکر تو ای ذوالمنن
پادشهان را تو رساندی به جاه
دادی شان قدرت و مال و سپاه
دست تعدی بگشودند و زور
ظلم و ستم کرده به حد و فور
ملتی از کرده آنان تباه
نامه اعمال چو قیر سیاه
با همه ظلم و ستم های شان
سایه یزدان شده است نام شان

تاجر بازار که در احتکار
رحم ندارد به صغار و کبار
کرده تهی سفره بیوه زنان
حجره او گردنه ی رهنان
لخت کند پیر و یتیم و صغیر
جمله مخلوق به دستش اسیر
گردن او گشته کلفت و از ربا
سمبل و نیرنگ و فریب و ریا
گشته حبیب تو خداوندگار
وای بر این عالم بی بند و بار

لیک ندانم ز چه این گونه است
کار جهان یکسره وارونه است
من که همه روز و شبم بوده کار

سندیکا سنگر طبقه کارگر

که به آنان مربوط است آزادانه
ابراز دارند.

کارگران حق دارند نشریات مورد
نظر خود را بخوانند ، نشریه های
سندیکایی و کارگری را پخش کنند
و به تبلیغ برای سندیکاهای
بپردازند.

کارگران حق دارند در دفاع از
منافع خود ، در هر عمل مشترک
اعم از اعتصاب ، تظاهرات یا
دیگر فعالیتهای سندیکایی شرکت
کنند»

انگیزه نوشتن جزوه حاضر پاسخی
هرچند ناقص به یک ضرورت
عملی و لزوم تشکیل سندیکاهای
واقعی کارگران می باشد. این امر
بر همه کارگران آگاه ، و مبارزین
هواه خوا طبقه کارگر آشکار است
هرچند حرکت‌های موثری در راه
ایجاد این سازمانها انجام شده است
ولی همواره این سؤال که یک
سندیکا در عمل چگونه تاسیس می
شود و چه زمینه‌هایی از فعالیت را
در بر می گیرد مطرح بوده است
تحوالات عمیق اقتصادی اروپا در
قرن های اخیر موجب تعیین روابط
تولید و بسط و توسعه مناسبات
جدیدی شد که شرایط کار و زندگی

نامه درخواست مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از وزارت کار



«درخواست سندیکا برای برگزاری
مجمع عمومی به وزارت کار»

منشور حقوق سندیکایی جهانی

« کارگران حق دارند سندیکاهای
کارگری تشکیل دهند ، به
سندیکای موجود بپیوندند بی آنکه
اجازه یا نظارت مقامات دولتی
یا کارفرمایان لازم باشد ، در هر
فعالیت سندیکایی شرکت کنند.»

کارگران حق دارند در محل کار
خود و یا در هر جای دیگر گرد هم
آیند ، به مذاکره بنشینند و عقاید
خود را در خصوص تمام مسائلی

بودند که بدستور مقامات دولتی و حکومتی در هر کارخانه یا اداره نصب می شدند. و در مجموع اگر نقش یا رابطه ای با کارگران داشتند همان رابطه تحمیل بر کارگران بود، نه رابطه دفاع از حقوق آنان. به همین جهت امروز نیاز طبقه کارگر به داشتن سنديکا هر روز بیشتر احساس می شود چرا که کارگران با مسائل بسیار زیادی روبرو هستند که به شرایط روزمره زندگی و دور نمای آینده آنها مربوط می شود.

تاسیس عملی یک سنديکا در یک کارخانه معمولاً به دو صورت انجام می گیرد. یا در کارخانه ای مسئله حادی بوجود می آید مثلاً عده ای از کار بیکار می شوند، کارفرما کارخانه را رها می کند و میرود و یا ماهها حقوق کارگران پرداخت نمی شود که کارگران بطور خود به خودی به مبارزه بر می خیزند. در جریان این مبارزه و از دل سلولهای کوچک سازمانی که برای حل این مشکل بوجود می آیند. اولین جوانه ی یک سازمان سنديکایی رشد کرده و سپس به یک سازمان دائمی با یک اساسنامه و ارگانهای مشخص شروع به فعالیت می کند. و یا در یک کارخانه، با

قسمت اعظم تولیدکنندگان را دگرگون ساخت. توده ی کشاورزان و پیشه وران از ابزار و وسایل تولید خود محروم، و برای امرار معاش به دایره کار، مزدوری کشانده شدند.

یعنی ناچار شدند از طریق فروش نیروی کار خود به صاحبان وسایل تولید یا سرمایه داران زندگی و معاش زن و فرزندانشان را تامین کنند. شرایط کار مزدوری بطور کلی با شرایط کارپیشه وری تفاوت داشت. روابط خاص استاد و شاگرد در کارگاههای کوچک جای خود را به روابط کارگر و کارفرما داد تا استثمار کارگران شدیدتر و جنگ طبقاتی شکل دیگری بخود بگیرد. مسئله تاسیس سنديکاهای واقعی در شرایط امروزی جامعه ما بطرز حادی مطرح است. زیرا طی سالهای طولانی کارگران ما در زیر یوغ استبداد شاهی از هر گونه امکان برای تجمع در سازمانهای کارگری مستقل و دفاع از حقوق خود محروم بوده اند. در دوران استبداد، سنديکاهای فرمایشی هیچگاه بدست خود کارگران و یا ناشی از نیازها و یا مسائل آنها تشکیل نمی شد، سنديکاها مثل قوطیهای از پیش ساخته شده ای

ها و مطالبات مشخص بیان شد . مسئله رسیدن به خواسته ها و یافتن وسایل مناسب برای رسیدن به آنها مطرح می شود . آنگاه عناصر آگاه باید ضرورت تشکیل سندیکا یعنی یک سازمان متشکل را که بطور دائمی و منظم برای دفاع از حقوق تمام کارگران مبارزه کند را روشن نمایند و برای آن تبلیغ کنند . روشنگری باید به روی مسائل واقعی کارگران انجام گیرد ، یعنی باید به زبان خود کارگران و از مشکلات آنان ناشی شود ، در این هنگام عناصر آگاه تر دست به فراهم کردن مقدمات تشکیل سندیکا می زنند . اساسنامه و خط مشی تعیین کرده به عضو گیری می پردازند و سپس زمانی که تعداد کارگران خواستار سندیکا به حد نصاب رسید مجمع عمومی سندیکا را تشکیل می دهند .

در هیچ کجای دنیا تشکلی صورت نمی گیرد مگر به حکم آگاهی . وقتی ما آگاهی طبقاتی نداشته باشیم چگونه می توانیم با امواج سهمگینی که سرمایه داری در اقیانوس بیکران طبقه کارگر براه انداخته به مبارزه برخیزیم . آن قایقران پیر را در نظر بیاورید که وقتی دریا به تلاطم می افتد و حتی

وجود مسائل و نارضایتی های بسیاری ، هنوز خواسته ها و مطالبات مشخصی از طرف مجموع کارگران بیان نشده است . ولی در میان کارگران عناصر آگاه تری حضور دارند که قادرند این نارضایتی ها و کمبودها را در شرایط کاری و یا میزان دستمزدها و غیره بصورت روشنتر ببینند و آنها را بیان کرده و راه حل های مناسب را برای تحقق این خواسته ها پیشنهاد کنند . در این صورت این عناصر آگاه وظیفه دارند در درون کارخانه یا کارگاه یک فعالیت وسیع روشنگری را آغاز کنند . رکن اساسی این روشنگری باید تشریح مسائل واقعی و ملموس مشکلات کارگران باشد ، که در درون کارخانه وجود دارند مانند کمی دستمزد نسبت به افزایش هزینه زندگی ، مسئله سرویس رفت و آمد کارگران ، فقدان وسایل بهداشتی چون حمام ، مستراح در محیط کار ، نداشتن لباس کار ، مسئله بیمه اجتماعی و حوادث ، مسئله مسکن و اضافه کاریهای تحمیلی ، قراردادهای موقت ، نبود طبقه بندی مشاغل . وقتی این کمبودها و نارضایتی ها که همه کارگران بطور ملموس احساس می کنند بصورت روشن و در قالب خواسته

چیره دست باشد. فن سازماندهی را فراگیرد ، فردی لایق ، با عزم ، خوشتن دار و جدی باشد ، تا بتواند روی دیگران تاثیر مثبت گذارد. مذاهب و فلسفه های گوناگون افراد بشر را برابر و برادری و برابری ولی تحقق این برادری و برابری اغلب از طرف دارندگان ثروت و قدرت نادیده انگاشته می شود.

کارگر و کارفرما هر دو مخلوقات خدا از لحاظ شکل ساختمان با هم مساویند. لیکن شرایط مادی زندگی به نحویست که یکی را در صحنه زندگی حاکم بر سرنوشت دیگری می سازد. در شرایطی که یکی بدلیل سیستم اجتماعی ناچار است نه تنها نیروی کار خود را به ارزانی به دیگری بفروشد بلکه در عین حال اراده و خواست کارفرما هر آن می تواند وی را امرار معاش محروم ساخته و خود و فرزندان را با گرسنگی روبرو سازد ، دم زدن از برادری ، کارگر و کارفرما پوچ و بی معنی است. رسیدن به خواسته های کارگری تحقق پیدا نمی کند مگر با چاره جویی و چاره سازی از طریق ایجاد تناسب قوا میان این دو نیروی نابرابر.

اگر موتور قایق از کار بیافتد ، با پارو و با ملایمت ولی پر قدرت قایق خویش رابه ساحل می رساند. در راه حق طلبی عجله موجب پیشرفت کار نیست چاره کار متانت و صبوری و آگاهی و بردباری و اعتماد به نفس است . آگاهی سطحی هم بدردم ما نمی خورد چرا که ، چون برگ پائیزی زود از شاخه جدا می شود.

قصد سندیکا پرورش کارگر با فرهنگ است ، بدین جهت باید از آموزش او غافل نماند ، و تا آنجا که ممکن است باید سعی کرد که آموزش متوسط را تمام کند ، فردی با انضباط بار بیاید و از حیث سیاسی رشد کند ، و به عضو فداکار طبقه اش بدل گردد. باید احساس وظیفه و مفهوم افتخار را در او پرورش داد. به بیان دیگر او باید از لیاقت و شایستگی خود و طبقه خود ، آگاهی یابد و از آن احساس غرور و سربلندی کند . او باید از وظایف خویش نسبت به طبقه اش وقوف یابد و بیاموزد که چگونه از دوستش فرمان ببرد و یا به او فرمان دهد . او باید بداند که چگونه در موقعیت های مختلف زندگی و در جریان مبارزه کارگری ، مهربان ، جدی ، آشتی ناپذیر و

سوء مدیریت در شرکت واحد اتوبوسرانی باز هم قربانی گرفت

روز پنج شنبه ۲۸ خرداد ساعت ۱۰:۳۰ یک دستگاه اتوبوس دوکابین خط یک BRT در توقفگاه دپوی شرق واقع در سه راه تهرانپارس متاسفانه کارگرتوقفگاه، مرحوم مصطفی حوائجی را زیر گرفته و پس از برخورد با نکل برق متوقف می شود. شدت حادثه آنچنان بوده است که اتوبوس مذکور تا صندلی اول آسیب دیده است. متاسفانه بدلیل سوء مدیریت، کارگران همیشه در معرض چنین خطرات جانی هستند. از مسولین مربوطه در وزارت کار درخواست می شود محیط های شرکت واحد را مورد بازرسی قرار داده تا از تکرار چنین فجایی جلوگیری شود.

درگذشت جانگداز این همکار زحمتکش مان را به خانواده، بستگان و کلیه همکاران تسلیت گفته و از همکاران نیز می خواهیم ضمن مراقبت و دقت در رانندگی موضوع ایمنی کار را از مدیریت شرکت واحد پیگیری نمایند.

سندیکای کارگران شرکت
واحد اتوبوسرانی تهران و
حومه

بیشتر از دویست سال در اروپا و آمریکا و یکصد سال در ایران سندیکا‌های کارگری توانسته اند سنگری مطمئن برای دفاع از حقوق کارگران باشند. قانون کار، بیمه تامین اجتماعی، هشت ساعت کار، تعطیلی روز جمعه، طبقه بندی مشاغل، داشتن لباس کار، سرویس رفت و آمد، ناهار خوری و... از دستاوردهای سندیکا‌های کارگری طی یکصد سال مبارزه بوده است.

با اتحاد و یکپارچگی و متشکل شدن در سندیکا‌های کارگری از حقوق کارگری خود دفاع کنیم.

و بدانیم چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

اوس محمد – جوشکار
پروژه ای عضو سندیکای
پرافتخار فلزکارمکانیک



سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
تاسیس ۱۳۳۸
لیت وزارت کار ۳۴
بازگشایی ۱۳۸۲



نامه درخواست مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از وزارت کار

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

تاریخ: ۱۵/۴/۹۴
شماره: ۸-۴-۹۴



وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی

به : مدیریت کل سازمان های کارگری و کارفرمایی

از: سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

ما امضا کنندگان زیر اعضای هیات تدارک ۱۳ مین مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک به شماره ثبت ۳۴ و تاسیس ۱۳۳۹ در آن وزارتخانه ، در خواست می کنیم طبق اصل ۲۷ و ۲۶ قانون اساسی و نص صریح این قانون مبنی بر : «... هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی مجبور ساخت .» برای تشکیل مجمع عمومی این سندیکا خواستار یکی از سالن های اجتماعات وزارت کار و یا سازمان تامین اجتماعی هستیم، لذا خواهشمندیم برای تشکیل مجمع عمومی در اختیارمان قرار گیرد.

هرگونه همکاری این وزارت خانه در این مهم ، در راستای اجرای قانون اساسی و قانون مندی و احترام به آن را موجب خواهد شد.

هیات تدارک ۱۳ مین مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

تیرماه ۱۳۹۴



- ۱- مازیار گیلانی نژاد
- ۲- نبی معروفی
- ۳- حمید شرقی
- ۴- یارمحمد اکبری
- ۵- محمد حسین طهماسب پور
- ۶- محمد کاهه